

# جوانان کمونیست ۱۰۹

## نشریه سازمان جوانان کمونیست

www.jawanan.org

سردبیر: مصطفی صابر

۸ مهر ۱۳۸۲

۳۰ سپتامبر ۲۰۰۳

سه شنبه ها منتشر میشود

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان  
است.  
منصور حکمت



## اولین انقلاب قرن ۲۱

رو شد. تکرار همین تصویر را در تهران، اعتصاب بخشی از کارگران ایران خودرو جلو چشم رژیم گذاشت. اگر کارگران کارخانه جاده قدیم کرج به اعتصاب بروند چه میشود؟ یا کارخانه های شرق تهران؟ دیدیم که رژیم از ترسش دو روز کارخانه ایران خودرو را (که جمعه ها را هم به روز

اوضاع ایران دارد خیلی جالب میشود. جامعه دارد بسر بطرف اولین انقلاب بزرگ قرن بیست و یک میروود. نگاه کنید: بافق چندمین شهری بود (بعد از بهشهر، کرمانشاه، اهواز، کاشان و غیره) که با یک اعتصاب کارگری زیر و

برای چند ساعت یک اتیکت روی سینه هایشان نصب کردند. میدانید این یعنی چه؟ یعنی اتحاد! و این کلمه مقدس طبقه کارگر است. معلمان مدتهاست که دارند در سطح کشور خود را متحد میکنند. از همین حالا اقداماتی برای ۱۳ و ۱۴ و ۱۷ مهر ردیف شده است. کسی که تظاهراتی قبلی معلمان را بخاطر داشته باشد میدانند که چه نیروی انقلابی در این تصمیمات نهفته است. و باز هر کس نتیجه: انقلاب!

کار اجباری تبدیل کرده بود تا حداکثر سود را با مرگ کارگران بالا بکشد) تعطیل کرد تا از خطر یک اعتصاب بسیار حساس موقتا جان بدر برد. اما فکر میکنید این از چشم کارگران کمونیست و رادیکال در نفت و گاز و توانیر و ذوب آهن پنهان ماند؟.. بازهم هست: یکی دو هفته پیش پرستاران به یک اقدام سمبولیک پرمعنی دست زدند. بطور سراسری (یا لاقول در چندین شهر)

## از این روحیه استقبال میکنیم

### گفتگو با بهرام مدرسی دبیر سازمان جوانان

### چرا اعتصاب نشد؟!



**جوانان کمونیست:** رژیم اسلامی در دانشگاههای متعددی در شهرهای اصفهان، تبریز، تهران، مشهد، سنندج، سبزوار و اهواز و غیره تعداد زیادی از دانشجویان را از تحصیل محروم و بخشا محکوم به پرداخت جرایم سنگینی کرده است. خاتمی هم چند روز پیش گفته است که به دانشجویان باید احترام گذاشت! جریان چیست؟

**بهرام مدرسی:** با بازگشایی دانشگاهها و مدارس، شاهد همان صورت مسئله قبلی رژیم اسلامی هستیم. از طرفی جوانانی که رژیم از دستشان به فغان آمده است و حقوق رژیم اسلامی را گرفتهاند و از طرف دیگر جناحی از رژیم که خودش با یکنست جوانان را میگیرد و میزند و برگ خرما را در دست دیگرش تکان میدهد. مسخره بازی که دیگر جای خنده هم ندارد، مدتهاست کسی حساب خاتمی را از بقیهشان جدا نمیکند.

**جوانان کمونیست:** از طرف کمیتای به نام «کمیتهماهنگی اعتصاب در کل کشور» روز ۶ مهر اعتصاب عمومی در دانشگاهها و مدارس اعلام شده بود. روز ۶ تیر ماه ظاهرا اتفاق زیادی در دانشگاهها و مدارس نیفتاد. ارزیابی شما چیست؟

بهرام مدرسی: اعتصاب عمومی همانطور که گفتید از طرف این

کمیته اعلام شد. مستقل از اینکه چه کسی این فراخوان را داده است و چنین فراخوانی چه ملزوماتی را باید داشته باشد و ملاحظاتی که ما در این رابطه داریم (از جمله ملاحظاتی که در شماره گذشته این نشریه به آن اشاره شد)، انتشار چنین فراخوانی در ایران و پخش وسیع آن بیان فضای سیاسی معین و تغییری معین در اوضاع سیاسی ایران است. مسئله تنها به این فراخوان هم حتی خلاصه نمیشود. در اطلاعیههای متعددی که رونوشت تقریبا همه آنها برای ما هم ارسال شدهاند، در سطح کشور دانشجویان دانشگاههای مختلف در دست سازمان دادن اعتراضی محکم علیه رژیم اسلامی هستند.

به نظر من مسئله تنها این نیست که آیا روز ۶ تیر ماه اعتصاب عمومی شد یا نه، مهم اینست، همانطور که قبلا گفتم، این انعکاس توازن قوایی دیگر و روحیهای دیگر در مبارزه علیه رژیم اسلامی است. ما به استقبال این روحیه و این شور مبارزه علیه رژیم اسلامی میرویم و

صفحه ۳

## آمنه لاوال آزاد شد!

### مینا احدی روز جهانی مبارزه با سنگسار را اعلام کرد

**جوانان کمونیست:** آمنه لاوال آزاد شد. احساس شما چیست؟

**مینا احدی:** من از شنیدن این خبر فوق العاده خوشحال شدم. چرا که من با کسانی که برای نجات آنها تلاش میکنیم، به نوعی دوست میشوم و از نزدیک مشکلات آنها را تعقیب میکنم. بویژه همیشه به فکر واسیلیا دختر کوچک آمنه بودم که اگر قرار بود اسلاميون آمنه را سنگسار کنند، که منتظر از شیر گرفتن واسیلیا بودند، این بچه کوچک و معصوم اگر داستان قتل وحشیانه مادرش را بشنود، چه خواهد گفت و چگونه زندگی خواهد کرد.

**جوانان کمونیست:** آیا آمنه هم میدانند که شما برای او چه کرده اید؟ آیا هیچ وقت تلاش کرده اید با او تماس بگیرید؟

**مینا احدی:** آمنه شاید غیر مستقیم بدانند ما چه کرده ایم. او در جریان فعالیتهای سازمانهای مدافع حقوق انسانی از خودش بود و ما از طریق جامعه بین المللی حقوق بشر که مرکز آن در فرانکفورت است با او و کلکیش در تماس بودیم. من فکر میکنم او در جریان کارهای ما بطور کلی بود و بعضا در گفتگوهایش از «سازمانی که مرکز آن در آلمان است» حرف میزد. من با خود وی حرف زده ام، اما روزمره در جریان مسایلیش بوده ام.

**جوانان کمونیست:** جایگاه آزادی آمنه را در مبارزه علیه سنگسار چه میدانید؟

**مینا احدی:** هر مورد اعلام یک حکم سنگسار اعلام جنگ اسلام سیاسی به همه انسانها و بویژه زنان و حمله تروریسم اسلامی بر علیه بشریت است و تحمیل هر عقب نشینی به اینها، در حقیقت کامی به عقب راندن این جریان



آمنه  
مدرک  
جرم  
او  
و  
مینا

ارتجاعی است. این پیروزی البته ساده به دست نیامد و اسلاميون سعی کردند، با شکردهای مختلف در مقابل اعتراضات جهانی بایستند. شاید برایتان جالب باشد بگویم که بخشی را راه انداختند در مورد اینکه نباید اعتراض جهانی کرد چرا که جریانات اسلامی جری تر میشوند و این به ضرر آمنه است، و غیره اما ما با تمام پیچیدگی مسایل، مبارزه خودمان را ادامه دادیم و بالاخره صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

# دلم برایشان سوخت که چنین پرزیدنتی ندارند!

یشار از تهران

است. البته این مربوط به دوران ماقبل اینترنت و چت بود! چون تو این دوره و زمانه کاملا برعکس شده. سر درون نشان از رنگ رخسار دارد! شما می توانید پشت یک آی دی مخفی شوید تا رنگ رخسارتان را کسی نبیند سفره دلان را باز کنید و هر چه در درونتان می گذرد

حتما برای یک بار هم شده این مثل را شنیده اید: رنگ رخسار دارد نشان از سر درون! توصیف حال کسانی است که به هر دلیلی حرفشان را نمی زنند یا نمی توانند بزنند، رنگ رخسارشان گویای همه چیز

در پشت کامپیوتر مشغول وراجی است، در سوی دیگر پشت کامپیوتر صندلی ها خالی است و تنها یک نفر است که آن هم دارد چرت می زند. بچه های تهرود یک مثلی دارند برای وقتی که کسی پرت و پلا می بافت و مزخرف می گوید. به طرف می گویند که چت (chet) کردی. حالا شما هم مطمئن باشید که اگر پرزیدنت چت کند و دو ساعت به این موضوع اختصاص دهد یک ساعت و نیم را برای وراجی اش و نیم ساعت هم وقت بدهد که بپرسید، می بینید که عین ۶ سال گذشته از ترس انقلاب چت کرده.

گذشت به حال پرزیدنت خنده ام گرفت. اما فکر کردید ایشان و مشاوران شان به این جای قضیه فکر نکردند؟ زهی خیال باطل، بی رو دروایی گفتند «هر چند هزینه زیادی دارد ولی در شبکه اینترنت امکان کنترل ردیابی وجود دارد.» یعنی اینکه جوانان عزیز اگر هوس کردید که با پرزیدنت چت کنید حواستان باشد همچنین کشکی نیست که هرچه در درون شما می گذرد بریزید بیرون. آش آنقدر بی نمک است که کاریکاتورست روزنامه همشهری را وادار به عکس العمل کرده. کاریکاتوری کشیده که جناب پرزیدنت

بریزید بیرون. و شما هم پی ببرید که در درون دیگران چه می گذرد و رنگ رخسارشان از چه قرار است. تو همچنین وضعی پرزیدنت اسلامی می خواهد با جوانان در ماه آینده چت کند. وقتی تیتیر روزنامه را خواندم همچین بفهمی نفهمی به حال جوانان دیگر دنیا افسوس خوردم که همچین پرزیدنتی ندارند! خندان، خوش پوش با عبای نازک و دل ربا، ریش لفل فل نمکی، نسبش هم که به بی بی فاطمه زهرا می رسد. آنقدر با حاله که از وقت گرانبهایش می زند و با جوانان چت می کند. بعد فکر کردم که در آن محیط چت به ایشان چه خواهد

از صفحه ۸

## مینا احدی:

### فکر نمی کردم روزی مجبور باشم با سنگسار در بیفتم.

به آمنة لاوآل و صفیه حسینی شهروندی افتخاری داده است و من بهمین دلیل اعلام این روز را در کنفرانس ناپل انجام دادم و قطعنامه را به اسم قطعنامه ناپل نامگذاری کردیم.

همچنین یک قطعنامه عمومی در محکومیت سنگسار و قانون سنگسار از طرف شیوا محبوبی به کنفرانس ارایه داده شد که آنهم تصویب شد.

**جوانان کمونیست:** مینا واقعا اتفاقات مهمی دارد می افتد. کلا فکر میکنید مبارزه جهانی علیه سنگسار بکجا برود؟

**مینا احدی:** این مصوبات مهم هستند و ما بسوی یک مبارزه جهانی برای لغو قانون سنگسار در همه جا پیش میرویم. ببینید یک روز جهانی علیه سنگسار و به رسمیت شناخته شدن آن از سوی اتحادیه اروپا و سازمان ملل و اعلام آن در دنیا مهم است. ما باید بتوانیم از افشارگرهایی که در سطح دنیا استفاده کرده و توجه هایی که جلب کرده ایم، استفاده کنیم تا قانون سنگسار را در همه جا لغو کنیم و به این لکه ننگ بر دامن بشریت، پایان بخشیم.

**جوانان کمونیست:** در ایران خیلی ها شما را می شناسند در سطح جهان چطور؟ چقدر سعی کرده اید بعنوان یک چهره جهانی ظاهر شوید؟

**مینا احدی:** در جهان هم کم مرا نمی شناسند. بویژه بدلیل اینکه هماهنگ کننده یک شبکه جهانی علیه سنگسار هستم که بیش از دویست نهاد و سازمان عضو آن هستند. بسیاری از این طریق هم با من آشنا شده اند. من در سطح روزنامه های کشورهای آلمانی زبان و یا تلویزیونها مصاحبه و گفتگوهای زیادی داشته ام و بهر حال اسم مرا بسیاری شنیده اند. من چندان سعی نمیکنم چهره جهانی بشوم، در جریان کارم و برای فعالیتهایم لازم است که به مطبوعات فشار بیاوریم و حرفهایمان را بزیم و یا سر از اتحادیه اروپا و

برنده شدیم. این پیروزی نشان داد با مبارزه متحد و جهانی میتوان جریانات اسلامی را عقب راند. این یک تجربه مثبت در مبارزه بر علیه سنگسار بود.

**جوانان کمونیست:** شما همین دیروز از یک کنفرانس در ناپل ایتالیا برگشتید. موضوع کنفرانس چه بود؟ شما چه کردید؟

**مینا احدی:** کنفرانس در ناپل، با عنوان کنفرانس جهانی علیه سنگسار بود و در آن در مورد فعالیتهای جهانی کمیته علیه سنگسار و چگونگی همکاری سازمانهای زنان ایتالیا با این مبارزات اساسا صحبت شده است.

یک کنفرانس برای آشنایی بیشتر ما با فعالین جنبش برابری طلبانه زنان در ایتالیا و آنها با ما بوده در این کنفرانس در مورد وضع زنان در عراق نادیا محمود سخترانی کرد، شیوا محبوبی در مورد وضع زنان در ایران حرف زد، و من در مورد فعالیتهای کمیته بین المللی علیه سنگسار، میزگردی هم با شرکت دو نماینده پارلمان ایتالیا و من در بخش دوم کنفرانس تشکیل شد که اساسا به انتقاد از دولت های اروپایی و خود ایتالیا اختصاص داشت که خیلی بحث داغی بود.

از دستاوردهای مهم کنفرانس اعلام یک روز جهانی علیه سنگسار در این کنفرانس بود که برای ما بسیار مهم است. بحث اینکه یک روز را روز جهانی علیه سنسار اعلام کنیم بین ما بحثی است قدیمی است. با عفو بین الملل و سازمان جهانی علیه شکنجه و سازمانهای مختلف حرف زده ایم و قرار شد من این روز را تعیین و اعلام کنم. من روز ۱۱ جولای روز سنگسار مریم ایوبی را روز جهانی سنگسار اعلام کردم و سازمانها و مردمی که در این کنفرانس حضور داشتند، این پیشنهاد را تصویب کردند بهتر است اضافه کنم که ناپل شهری است که

شده است؟ چقدر در سطح بین المللی شما را بعنوان یک عضو رهبری حزب میشناسند؟

**مینا احدی:** بنظر من فقط با اتکا به راهنماییهای منصور حکمت و خط و روش او بود که ما توانستیم در این عرصه ها جا باز کرده و فعالیت کنیم. پاسخ بسیاری از سوالات مرا تزه های منصور حکمت داده و جایگاه و اهمیت این مبارزه را همینها برابم روشن تر کرده است. مبارزه با اسلام سیاسی و تز نسبیست فرهنگی، مبارزه برای حقوق زنان و مبارزه برای تغییر زندگی انسانها همین امروز و جایگاه مبارزه با سنگسار در عقب راندن اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی ایران همگی از مسایلی است که کمک کرده است ما بیشتر ر این عرصه پیش برویم. در ایران و یا ترکیه و افغانستان و غیره تقریبا همه میدانند که من به کدام گرایش تعلق دارم و یا حتی عضو رهبری حزب کمونیست کارگری ایران هستم. در کشورهای اروپایی و بقیه نقاط هم کم و بیش با این امر آشنا هستند.

**جوانان کمونیست:** آیا هیچگاه فکر میکردید که روزی در عرصه ای که اکنون درگیر هستید فعال شوید؟ منظورم مبارزه با سنگسار.

**مینا احدی:** در مورد سنگسار ایدانه، چون سنگسار یکی از عقب مانده ترین و وحشیانه ترین نوع رفتار با انسانهاست که با رشد اسلام سیاسی و بویژه به حکومت رسیدن اسلامیون در ایران به یک معضل مهم تبدیل شد. بهتر است اینرا بگویم که من هیچگاه به این کار معین یعنی هماهنگ کننده کمیته علیه سنگسار بودن افتخار نمی کنم. چرا که فکر میکنم این نشانه عقبگرد جامعه بشری است که چنین معضلی الان مطرح است و باید کمیته ای هم برای مقابله با آن تشکیل داد.

**جوانان کمونیست:** کاملا درست است. ولی اوضاع اینقدر افتضاح شده است که ما کمونیستها باید خیلی حرفه ها را که روزگاری خود بورژواها پر میکردند پر کنیم. خود همین جمهوری اسلامی و سنگسار اساسا محصول این است که حضرات مایل نبودند در ایران پس از شاه یک حکومت چپ و انقلابی به قدرت برسد. بهر حال، جایگاه حزب کمونیست کارگری و کمونیسم کارگری در این مبارزه علیه سنگسار چیست؟ چقدر این جایگاه برای دیگران شناخته

کمیسوین حقوق بشر آن در بیاوریم و یا در پارلمان انگلیس سخنرانی کنیم. من برای شما فقط متن دعوت نامه همین سازمان زنان ناپل را برای کنفرانس جهانی علیه سنگسار نقل میکنم که نوشته بود: مینا احدی را در ایتالیا زیاد نمی شناسند، و این بدلیل کم لطفی مطبوعات ایتالیا در مورد فعالیت های اوست. اما در سطح اروپا و دنیا مینا و کمیته علیه سنگسار شناخته شده است. در سطح کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا و در سطح سازمانهای چون عفو بین الملل و غیره، بسیاری مینا احدی را می شناسند... خوب مثل اینکه زیادی از خودم تعریف کردم. باقی حرفهایمان را بزیم.

**جوانان کمونیست:** باشه حتما ولی فکر کنم مطرح شدن زنان کمونیستی نظیر تو و یا مثلا ینار محمد در عراق و سایر رفقای ما (که بخواهم اسم بیاورم لیست بلندی میشود.) یک پدیده شورانگیز برای هر آزادیخواهی است. اینرا یک جای دیگر باید مفصلتر بحث کرد. اما احساس من اینست که ما یواش یواش داریم به دوره ای پا میگزاریم که مثل دوره کلارا زتکین، کمونیستها کل جنبش رهایی زن را نمایندگی میکنند. به اصل موضوع برگردیم، چقدر کل این قضایا به مبارزه علیه سنگسار و جمهوری اسلامی تاثیر میگذارد؟

**مینا احدی:** بنظر من زیاد. جمهوری اسلامی ایران بویژه به این فعالیتها حساس است. بنظر من تکلیف سنگسار در ایران روشن میشود. و ما باید جمهوری اسلامی ایران عقب برانیم. این به بین مبارزات مردم در ایران و اعتراضات جهانی به پیش برده میشود. مبارزه با رژیم اسلامی و سرنگون کردن آن کمر اسلام سیاسی را در سطح جهان میشکند و این یک راه حل قطعی حل معضل سنگسار نیز خواهد بود.

ملاقاتها و همچنین میتینگهای ما در مقابل پارلمانهای اروپایی و یا اتحادیه اروپا و فشار ما به کمیسوین حقوق بشر اتحادیه اروپا و یا کمیسوین پاتن خود یکی از فاکتورهای مهم در اعلام موضع اتحادیه اروپا و عقب نشینی رژیم اسلامی ایران بوده است.

مبارزه علیه سنگسار چیست؟ چقدر این جایگاه برای دیگران شناخته

شده است؟ چقدر در سطح بین المللی شما را بعنوان یک عضو رهبری حزب میشناسند؟

**مینا احدی:** بنظر من فقط با اتکا به راهنماییهای منصور حکمت و خط و روش او بود که ما توانستیم در این عرصه ها جا باز کرده و فعالیت کنیم. پاسخ بسیاری از سوالات مرا تزه های منصور حکمت داده و جایگاه و اهمیت این مبارزه را همینها برابم روشن تر کرده است. مبارزه با اسلام سیاسی و تز نسبیست فرهنگی، مبارزه برای حقوق زنان و مبارزه برای تغییر زندگی انسانها همین امروز و جایگاه مبارزه با سنگسار در عقب راندن اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی ایران همگی از مسایلی است که کمک کرده است ما بیشتر ر این عرصه پیش برویم. در ایران و یا ترکیه و افغانستان و غیره تقریبا همه میدانند که من به کدام گرایش تعلق دارم و یا حتی عضو رهبری حزب کمونیست کارگری ایران هستم. در کشورهای اروپایی و بقیه نقاط هم کم و بیش با این امر آشنا هستند.

**جوانان کمونیست:** آیا هیچگاه فکر میکردید که روزی در عرصه ای که اکنون درگیر هستید فعال شوید؟ منظورم مبارزه با سنگسار.

**مینا احدی:** در مورد سنگسار ایدانه، چون سنگسار یکی از عقب مانده ترین و وحشیانه ترین نوع رفتار با انسانهاست که با رشد اسلام سیاسی و بویژه به حکومت رسیدن اسلامیون در ایران به یک معضل مهم تبدیل شد. بهتر است اینرا بگویم که من هیچگاه به این کار معین یعنی هماهنگ کننده کمیته علیه سنگسار بودن افتخار نمی کنم. چرا که فکر میکنم این نشانه عقبگرد جامعه بشری است که چنین معضلی الان مطرح است و باید کمیته ای هم برای مقابله با آن تشکیل داد.

**جوانان کمونیست:** کاملا درست است. ولی اوضاع اینقدر افتضاح شده است که ما کمونیستها باید خیلی حرفه ها را که روزگاری خود بورژواها پر میکردند پر کنیم. خود همین جمهوری اسلامی و سنگسار اساسا محصول این است که حضرات مایل نبودند در ایران پس از شاه یک حکومت چپ و انقلابی به قدرت برسد. بهر حال، جایگاه حزب کمونیست کارگری و کمونیسم کارگری در این مبارزه علیه سنگسار چیست؟ چقدر این جایگاه برای دیگران شناخته

شده است؟ چقدر در سطح بین المللی شما را بعنوان یک عضو رهبری حزب میشناسند؟

**مینا احدی:** بنظر من فقط با اتکا به راهنماییهای منصور حکمت و خط و روش او بود که ما توانستیم در این عرصه ها جا باز کرده و فعالیت کنیم. پاسخ بسیاری از سوالات مرا تزه های منصور حکمت داده و جایگاه و اهمیت این مبارزه را همینها برابم روشن تر کرده است. مبارزه با اسلام سیاسی و تز نسبیست فرهنگی، مبارزه برای حقوق زنان و مبارزه برای تغییر زندگی انسانها همین امروز و جایگاه مبارزه با سنگسار در عقب راندن اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی ایران همگی از مسایلی است که کمک کرده است ما بیشتر ر این عرصه پیش برویم. در ایران و یا ترکیه و افغانستان و غیره تقریبا همه میدانند که من به کدام گرایش تعلق دارم و یا حتی عضو رهبری حزب کمونیست کارگری ایران هستم. در کشورهای اروپایی و بقیه نقاط هم کم و بیش با این امر آشنا هستند.

**جوانان کمونیست:** آیا هیچگاه فکر میکردید که روزی در عرصه ای که اکنون درگیر هستید فعال شوید؟ منظورم مبارزه با سنگسار.

**مینا احدی:** بنظر من فقط با اتکا به راهنماییهای منصور حکمت و خط و روش او بود که ما توانستیم در این عرصه ها جا باز کرده و فعالیت کنیم. پاسخ بسیاری از سوالات مرا تزه های منصور حکمت داده و جایگاه و اهمیت این مبارزه را همینها برابم روشن تر کرده است. مبارزه با اسلام سیاسی و تز نسبیست فرهنگی، مبارزه برای حقوق زنان و مبارزه برای تغییر زندگی انسانها همین امروز و جایگاه مبارزه با سنگسار در عقب راندن اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی ایران همگی از مسایلی است که کمک کرده است ما بیشتر ر این عرصه پیش برویم. در ایران و یا ترکیه و افغانستان و غیره تقریبا همه میدانند که من به کدام گرایش تعلق دارم و یا حتی عضو رهبری حزب کمونیست کارگری ایران هستم. در کشورهای اروپایی و بقیه نقاط هم کم و بیش با این امر آشنا هستند.

**جوانان کمونیست:** آیا هیچگاه فکر میکردید که روزی در عرصه ای که اکنون درگیر هستید فعال شوید؟ منظورم مبارزه با سنگسار.

**مینا احدی:** در مورد سنگسار ایدانه، چون سنگسار یکی از عقب مانده ترین و وحشیانه ترین نوع رفتار با انسانهاست که با رشد اسلام سیاسی و بویژه به حکومت رسیدن اسلامیون در ایران به یک معضل مهم تبدیل شد. بهتر است اینرا بگویم که من هیچگاه به این کار معین یعنی هماهنگ کننده کمیته علیه سنگسار بودن افتخار نمی کنم. چرا که فکر میکنم این نشانه عقبگرد جامعه بشری است که چنین معضلی الان مطرح است و باید کمیته ای هم برای مقابله با آن تشکیل داد.

**جوانان کمونیست:** کاملا درست است. ولی اوضاع اینقدر افتضاح شده است که ما کمونیستها باید خیلی حرفه ها را که روزگاری خود بورژواها پر میکردند پر کنیم. خود همین جمهوری اسلامی و سنگسار اساسا محصول این است که حضرات مایل نبودند در ایران پس از شاه یک حکومت چپ و انقلابی به قدرت برسد. بهر حال، جایگاه حزب کمونیست کارگری و کمونیسم کارگری در این مبارزه علیه سنگسار چیست؟ چقدر این جایگاه برای دیگران شناخته

شده است؟ چقدر در سطح بین المللی شما را بعنوان یک عضو رهبری حزب میشناسند؟

**مینا احدی:** بنظر من فقط با اتکا به راهنماییهای منصور حکمت و خط و روش او بود که ما توانستیم در این عرصه ها جا باز کرده و فعالیت کنیم. پاسخ بسیاری از سوالات مرا تزه های منصور حکمت داده و جایگاه و اهمیت این مبارزه را همینها برابم روشن تر کرده است. مبارزه با اسلام سیاسی و تز نسبیست فرهنگی، مبارزه برای حقوق زنان و مبارزه برای تغییر زندگی انسانها همین امروز و جایگاه مبارزه با سنگسار در عقب راندن اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی ایران همگی از مسایلی است که کمک کرده است ما بیشتر ر این عرصه پیش برویم. در ایران و یا ترکیه و افغانستان و غیره تقریبا همه میدانند که من به کدام گرایش تعلق دارم و یا حتی عضو رهبری حزب کمونیست کارگری ایران هستم. در کشورهای اروپایی و بقیه نقاط هم کم و بیش با این امر آشنا هستند.

**جوانان کمونیست:** آیا هیچگاه فکر میکردید که روزی در عرصه ای که اکنون درگیر هستید فعال شوید؟ منظورم مبارزه با سنگسار.

**مینا احدی:** در مورد سنگسار ایدانه، چون سنگسار یکی از عقب مانده ترین و وحشیانه ترین نوع رفتار با انسانهاست که با رشد اسلام سیاسی و بویژه به حکومت رسیدن اسلامیون در ایران به یک معضل مهم تبدیل شد. بهتر است اینرا بگویم که من هیچگاه به این کار معین یعنی هماهنگ کننده کمیته علیه سنگسار بودن افتخار نمی کنم. چرا که فکر میکنم این نشانه عقبگرد جامعه بشری است که چنین معضلی الان مطرح است و باید کمیته ای هم برای مقابله با آن تشکیل داد.

**جوانان کمونیست:** کاملا درست است. ولی اوضاع اینقدر افتضاح شده است که ما کمونیستها باید خیلی حرفه ها را که روزگاری خود بورژواها پر میکردند پر کنیم. خود همین جمهوری اسلامی و سنگسار اساسا محصول این است که حضرات مایل نبودند در ایران پس از شاه یک حکومت چپ و انقلابی به قدرت برسد. بهر حال، جایگاه حزب کمونیست کارگری و کمونیسم کارگری در این مبارزه علیه سنگسار چیست؟ چقدر این جایگاه برای دیگران شناخته

## جشن انقلاب ما روزه سیاسی آنها

مهرنوش موسوی



جنبش های سیاسی و اجتماعی در امروز جامعه ایران، دو روحیه، دو منظر و کاراکتر متفاوت را به نمایش گذاشته است:

در یکسو جنبش سرنگونی طلب مردم ایران را شاهدیم که بویژه در طی یکسال اخیر گامهای بلندی به جلو برداشته است. این جنبش هر دم نیروهای بیشتری حول خود به میدان آورده و در پرتو تلاشهای موتور محرک خود، یعنی کمونیسم کارگری و به یمن دست بالا پیدا کردن افق، سنن و روشهای این جریان در بطن جنبش سرنگونی به نقطه امید مردم ایران بدل شده است. عملکرد و رفتار

سیاسی توده های مردم این امید به آینده و اشتیاقشان به مبارزه برای تغییر را بطور مستقیم در مبارزات خود به نمایش میگذارد. اتکاء و اعتماد بنفس مردم به نیروی خودشان جای چشم دوختن به بالا را گرفته است. حزب کمونیست کارگری در رأس این جنبش، این اشتیاق، شادی، تحرک و خوشبختی را با شفافیت بخشیدن به افق مبارزه و انقلابی که در پیش است نمایندگی میکند. این جبهه مبارزه در حال پیشروی و صعود است. از سوی دیگر و درست در نقطه مقابل این تصویر، شاهد افول

جنبشهای سیاسی اجتماعی دیگر خواه ناسیونالیسم پرو غرب هستیم که با ذوب شدن رفرانومش به دیرسپون عمیق سیاسی مبتلا شده است. و یا شاهد حال زار جنبش ملی اسلامی و در رأس آن دوم خرداد هستیم که به عین تصویر شکست خوردگان وامانده را جلو جامعه قرار میدهند. واقعیت این است که به درجه ای که مردم برای پایین کشیدن نظام اسلامی و برپایی انقلاب آتی جلو آمده، سنگرها را یکی یکی فتح میکنند، به همان میزان، صیقل دشمنان مردم درهم ریخته، سیاستهایشان وارفته، روحیات سیاسی شان سقوط میکند. روزه سیاسی دوم خردادها یکی از نمونه های تصویر این روحیه درماندگی و افلاس و تلاشهای از نفس افتاده جنبشی پس از شکست و درماندگی است. خودشان میدانند که در بیرون لشکر شکست خورده خودپیشیشان، کسی این اقدام را جدی نمیگیرد. به جز وامانده های اکثریتی و توده ای، خیل طفیلی های خارج حکومتی که تنها نقطه اتحاد سیاسی امروزشان اقرار متحدانه شان به شکست اصلاحات شده است، حتی سری برنمیگردند تا نگاهشان کند. فقط اینها بودند که با عجله در

کنگره فوق العاده شان به این بساط مضحک روزه گیری پیوستند. دوم خرداد امروز حتی نا و نفس مخاطب قرار دادن مردم را ندارد. هدف این تقلاهای مایوسانه «حفظ خود است». راهی برای اینها به جلو متصور نیست. روزه داریشان، متمم مجلس فاتحه خوانی اصلاحاتشان بود که همین چند روز پیش در جریان اردوی پنجم جوانان جبهه مشارکت شاهد آن بودیم. این تصویری است که یکی از سردمداران دوم خرداد از این لشکر شکست خورده و به عنوان یکی از راه حلهای آینده شان مورد بحث قرار میدهد. علوی تبار میگوید: «در چنین شرایطی ( شرایطی که خود وی شکست اصلاحات را مفروض میگیرد) وظیفه اصلاح طلبان پیشرو چیست؟ قبل از هر چیز باید خود را حفظ کنند... باید از صحنه درگیری خارج شوند و دورانی را به بازسازی شدن فکری و تشکیلاتی خویش بپردازند، ... تا آن زمان آنها فقط باید از خویش دفاع کنند و اقداماتی دفاعی را سازمان دهند... . خستگی مفرط، درگیریهای روزمره و طاقت فرسا، بدبینی و خشم نسبت به یاران نیمه راه، بی اعتقادی به اصلاح پذیری ساخت قدرت موجود.

... فشار افکار عمومی که توقعی بیش از توان اصلاحات دارند، احساس تنهایی، برخوردار نبودن از حمایت مردم... بخشی از اصلاح طلبان درون و بیرون حاکمیت را به تأمل و بازسازی میخواند» و این جملات تازه تصویر گر آن بخشی است که با تأمل و بازسازی قرار است خودشان را حفظ کنند!

تنها، خسته، بدبین و خشمگین به یاران نیمه راه خود، ایزوله شده توسط مردم، بی افق و درمانده، مولفه های روحی این بیچاره هاست. بیچاره های جنایتکاری که سالها برای حکومت اسلامی شلاق زده اند، اسید پاشیده اند، آدم کشته اند و آدم لو داده اند و پنج شش سال میکوشند توقعات مردم را پایین بکشند و نتوانستند. این تصویر جنبشی است که مقابل مردم ایستاد، مردم از آن عبور کردند، به شکست کشیده و مفتضح شد. بدون تردید فرصتی نخواهند داشت تا چیزی را بازسازی کنند. روزه سیاسی اینها جز مایه جوک و خنده برای مردمی که میخواهند کل حکومت نماز و شلاق و روزه و سنگسار را به درک واصل کنند، نیست. ما برویم و جشن انقلاب آتی مان را برپا کنیم!

عهدۀ این نسلی که کمر به نابودی رژیم اسلامی گرفتارست برمیاید. من همینجا از تمام این دوستان میخوام که برای تأمین همه این ملاحظا با سازمان جوانان کمونیست

تماس بگیرند. جمهوری اسلامی را باید به زیرکشید. اتحاد و تشکل ما قدم بزرگی در این راه است. به سازمان جوانان کمونیست پیوندید.

از صفحه ۸

## ما از این روحیه استقبال می کنیم

طبیعی است که از چنین فراخوانهایی حمایت میکنیم. روندی که ما امسال از ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر شاهد آن بودیم، نمیتوانست نتیجهای جز این موج و این شور عظیم مبارزه علیه رژیم اسلامی را به دنبال نداشته باشد. هرقدمی که برای مبارز علیه رژیم اسلامی برداشته میشود، از یکطرف شعارها را روشنتر میکند و مطالبات جدیتری را در مقابل رژیم اسلامی قرار میدهد و از طرف دیگر ابزارهای مبارزه علیه رژیم اسلامی را هم تیزتر و به اصطلاح کلاسیکتر میکند.

**جوانان کمونیست:** منظور آن از روشنتر شدن شعارها و کلاسیک شدن ابزارهای مبارزه چیست؟

**بهرام مدرسی:** به شعارهای طرح شده در ۲۰ خرداد توجه کنید. این اعتراضات از خواستی صنفی آغاز شدند، بعد از فقط چند ساعت سیاسی شدند و علیرغم تلاشهای نیروهای راست پرو غرب (و مشخصا سلطنت طلبان) برای تحمیل شعار فرارند به این اعتراضات، چند ساعت بعد شعار اصلی این تظاهرات «مرگ بر جمهوری اسلامی» و «زنده باد آزادی و برابری» بود. این را ما با همان شدتی که در تهران و مشهد و تبریز شاهدش بودیم، در تورنتو و کلن و لندن هم دیدیم. این به نظر من شفاف شدن شعارها است و امروز این روند با سرعت بسیار بیشتری در جریان است. تعجب نکنید اگر در

تظاهراتهای آینده شعارهایی را بشنوید که از این هم رادیکالتر باشند.

از طرف دیگر خود نفس طرح اعتصاب عمومی بیان شکلی کلاسیکتر در مبارزه علیه رژیم اسلامی است. وقتی این را در کنار مسخره بازی روزه اسلامی دوم خردادی ها و انجمن اسلامی چی ها قرار دهیم، تفاوت را متوجه میشویم. ببینید، تا هنگامی که جوانان و دانشجویان کمونیست و آزادیخواه میتوانستند جلسات و «همایشهای» دوم خردادی ها را بهانه کنند که حرفشان را بزنند و دادخواستشان را علیه رژیم اسلامی اعلام کنند، اشکالی که این اعتراضات به خود میگرفت، در بند آن چهارچوب داده شده بود. امروز اما در حالی که آن جماعت دوم خردادی هنوز مشغول نماز و روزه سیاسی شان هستند، آن طرف دارد فراخوان به اعتصاب عمومی

میدهد و سعی میکند که جامعه را بسیج کند و این تازه به نظر من نکته کوچکی از واقعیت است. واقعیت اصلی این است که پایبندی دقیق شدن شعارها و دست بردن به ابزارهای مبارزهای که به آنها اشاره کردم، یک نیروی سیاسی معین به جلو صحنه رانده میشود و آن حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست است. حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانانش تنها جریان سیاسی هستند که با این شعارها و ابزارها تداعی میشوند. روی آوری به ما که به روشنی خواستههای مردم را نمایندگی میکنیم یکی از مولفه های جدی این توازن قوایی است که به آن اشاره کردم.

**جوانان کمونیست:** روند اوضاع چگونه پیش خواهد رفت؟ نظراتان در مورد بعد از ۶ مهر چیست؟

**بهرام مدرسی:** به نظر من ما بزودی شاهد ترکیب خشم و اعتراض مردم در گوشهای از جامعه خواهیم بود. فاکتورهای اساسی که علیه رژیم اسلامی عمل میکردند، هنوز پا برجاستند که هیچ با شدت بیشتری هم علیه رژیم عمل میکنند. به اضافه اینکه رادیکالیسم مردم علیه رژیم اسلامی را با سال قبل هم نمیتوان مقایسه کرد. هرقدمی که رژیم برای حفظ خود برمیدارد، علیه خودش عمل میکند. برای «آرام کردن» دانشگاهها دانشجویان زیادی را بیای سوال و جواب در کمیتههای انضباطی میکشانند و از تحصیل محروم میکنند. روز بعدش همین اقدام منبعی برای اعتراض به رژیم میشود. این رژیم راه نجاتی ندارد.

**جوانان کمونیست:** در پایان آیا شما ملاحظه ای نسبت به فراخوانهای روزهای اخیر دارید؟

**بهرام مدرسی:** اینکه چنین فراخوان و یا فراخوانهای متعدد دیگری که مثلاً برای روز دوشنبه ۷ مهرماه اعلام شدهاند، کار کافی و تدارک کافی برایشان دیده شده است یا نه، اینکه برای تدارک یک اعتصاب عمومی در دانشگاهها و مدارس چه اقداماتی را قبلاً باید در دستور کار خود قرار داد و بخصوص مسئله حفظ امنیت فعالین این تحرکات یکی از مسایل جدی ما هستند. به نظر من اگر بتوان چنان تدارکی برای یک اعتصاب عمومی دید که تعداد هر چه وسیعتری در آن شرکت کنند، هم با قدرت بیشتری برای گرفتن خواستههایمان پا جلو گذاشتهایم و هم امنیت همه شرکت کنندگان در این اعتصاب را تأمین کردهایم. این کار میخواید و تلاش خستگی ناپذیر، تلاشی که به نظر من به راحتی از

## و راه حل نفی کل نظام است! سروش دانش تهران

آیا در جامعه سرمایه داری اگر افراد وظیفه تخصصی خویش را به بهترین نحو انجام دهند سرمایه داری در مسیر رشد و تعالی و ترقی گام برمی دارد؟ همیشه سرمایه داری پاسخ به سوال بالا را مثبت جواب می دهد. فیلم های هالیوودی را در نظر بگیرید: در این فیلم ما یک بیگانه به نظام سرمایه داری وارد می شود اخلال ایجاد میکند و بعد از دخالت یکی از افرادی که جیره خوار سرمایه داری هستند (پلیس یا وکیل یا قهرمان) این بیگانه از بین رفته و دوباره اوضاع به حالت عادی بر میگردد. یعنی متفکران بی غرض بورژوازی این نظام را با کاربرد ایده آل در نظر می گیرند که بیگانه هایی از خارج آنرا به هم می ریزند. در اقتصاد هم آنها تقریباً به همین روش می اندیشند. اگر در جایی اقتصاد بورژوازی بد عمل کند آنرا از ایده آل کار نکردن طبقه کارگر می داند که باید دخالت نیروهایی مانند دولت به عنوان نماینده جامعه آنرا از بین ببرد. و اگر به قول خودشان جایی مثل ژاپن اقتصاد خوب و مناسب عمل کند آنرا

ناشی از سیستم مدیریتی بورژواها می داند. همیشه بورژوازی سعی در زیبا نشان دادن خود و پنهان کردن تضادهایش دارد تا بتواند استثمار بر زندگی کارگران را افزایش دهد و این را رشد بورژوازی بنامد. با تبلیغات سعی دارد نشان دهد که همه چیز در جامعه بورژوایی خوب و درست است و با انتقاد به نظام سرمایه داری بیان می دارد تضادی که در جامعه بورژوایی جریان دارد از بنیان است. از شیوه تولید و مالکیت خصوصی و کار مزدی است و ربطی به نظام مدیریتی و غیره ندارد. مارکسیست ها به ریشه می نگرند و روی آن دست می گذارند و بورژواهای کوتاه بین روی خنده ها و سرکشی آن. اگر کارکرد ایده آل صورت نمی گیرد یکی از دلایلیش از خود بیگانگی است که آن هم زاده مناسبات بورژوایی است. و راه حل، انقلابی در کل نظام بورژوازی است. انقلابی که مالکیت خصوصی و کار مزدی از بین ببرد. بدلیلی که سوسیالیسم برای حل این مشکل مطرح می کند از همان نقدی سر چشمه میگیرد که به بورژوازی دارد.



# ما و احزاب اپوزیسیون در پاسخ به آرش سرخ



مصطفی صابر

حکومت حمایت میکند». به نظر من اگر به همان جملات هم محدود بمانیم، نمی شود نتیجه گرفت که کمونیستها از «نیروهای ضد حکومت» حمایت میکنند. از همان جملات نقل شده معلوم است که مانیفست میگوید کمونیستها از «هر جنبش انقلابی بر ضد نظام اجتماعی و سیاسی موجود» حمایت میکنند. اشاره ای به «ضد حکومت» بودن در میان نیست. «ضد حکومت» بودن الزاما جنبه انقلابی ندارد و برای حمایت از یک جنبش و یا حزب سیاسی کافی نیست. یک نقد ما همواره به چه سنتی ایران این بوده که خاصیت آن به ضد حکومتی بودن محدود بوده است. برای مثال در دوره ۵۷ یک نقد ما با آن چه این بود که نمی شود و نباید از خمینی صرف این که ضد شاه است حمایت کرد و تازه لقب «ضد امپریالیست» هم به این وحشی مرتجع اهدا کرد. یا مثال دیگر در ایران امروز احزاب سلطنت طلب و مشروطه خواه ضد جمهوری اسلامی هستند. اما این جریانها هیچ چیز برای حمایت ندارند. آنها نه ذره ای واقعا دمکرات هستند و نه رادیکال. تا آنجا که به انقلاب برمیگرد آنها از انقلاب مردم بیشتر از جمهوری اسلامی وحشت دارند. یعنی ضد انقلابی هستند. البته اینکه آنها هم بهر دلیل ضد جمهوری اسلامی هستند مد نظر ما هم هست و تا آنجا که دارند جمهوری اسلامی را تضعیف میکنند ما کاری به کارشان نداریم. ولی حتی در همین زمینه هم هر جا که سنگ بیندازند، هر جا که شعارهای غلط و به نفع جمهوری اسلامی، مثل شعار فراندنم، را مطرح کنند، هر جا که مقابل اقدام مستقیم و انقلاب مردم بایستند (که فلسفه وجودیشان همین است) ما بشدت آنها را افشاء میکنیم. خلاصه آنکه سلطنت طلب یک نمونه جریان «ضد حکومت» است که اتفاقا کمونیستها نباید از آنها حمایت کنند. مجاهدین خلق نمونه دیگر است...

ولی مانیفست کمونیست در همان فصل حرفهای خیلی اساسی تری میزند که باید به آنها توجه کرد. در همان ابتدای این بخش بر این تاکید میکند که چگونه کمونیستها در همه حال منافع فوری و آتی طبقه کارگر را نمایندگی میکنند. جا به جا تاکید دارد که کمونیستها یک آن ضرورت

## رفیق بهرام و رفیق مصطفی عزیز!

این نامه رو من به نه شخص شما انسانهای دوست داشتنی، که به عنوان مسولان یک حزب سیاسی ارسال میدارم. راستش خوب مسلما ما کمونیست هستیم، و مانیفست میتونه برای ما مثل یک دیکشنری باشد که برای معنی مشکلات به آن نگاه کنیم. تا اونجایی که من میدونم شما مکررا هرگونه اتحاد با احزاب اپوزیسیون ایرانی را رد میکنید. که این میتواند خیلی بد باشد. چون در آنصورت میماند فقط طرفدار سازمان جوانان که تعدادشان برای یک انقلاب کافی نیست! حال نظرتان را به مانیفست جلب میکنم به قسمت هایی از فصل چهارم و آخر مانیفست. یعنی فصل موضوع کمونیستها نسبت به احزاب گوناگون کنونی اپوزیسیون:

«کمونیستها در سوئیس از رادیکالها حمایت میکنند بی آنکه این واقعیت را از نظر دور بدارند که این حزب شامل عناصر متضادی است...»

«کمونیستها در آلمان، تا زمانی که بورژوازی با شیوه انقلابی عمل میکند، در کنار آن با سلطنت مطلقه، حکومت فئودالها و خرده بورژوازی مبارزه میکنند...»

و مهمتر از همه: «کوتاه سخن اینکه کمونیستها همه جا هر جنبش انقلابی که بر ضد نظام اجتماعی و سیاسی موجود باشد حمایت میکنند...» و «سرنجام کمونیستها همه جا در راه اتحاد و توافق احزاب دمکرات تمام کشورها کوشش میکنند...»

لطفا نظر خود و حزب را به اطلاع من برسانید. دیدید که مارکس و انگلس اعلام کردند یک کمونیست از هرگونه نیروهای ضد حکومت حمایت میکند. با احترام قلبی، آرش سرخ.

## آرش عزیز! سوال جدی را مطرح

کرده ای. این یک تب عمومی و البته واقعی است که چرا احزاب اپوزیسیون جمهوری اسلامی اتحاد نمی کنند. طبع ما به عنوان یک حزب مطرح اپوزیسیون بارها مورد این سوال واقع شده ایم. این جنبه مساله را منصور حکمت دو سال پیش طی مصاحبه ای بدقت پاسخ گفته است که بهرام مدرسی برای شما فرستاد و اینجا هم مجددا چاپ میکنیم. اما سوالی که شما مطرح کرده اید در عین حال یک جنبه تئوریک و یا صحیح تر متولوژیک هم دارد. خصوصا که مانیفست را به میان کشیده ای و نحوه برخورد کمونیستها با احزاب اپوزیسیون بطور کلی را طرح کرده اید.

## مانیفست چه میگوید

شما عباراتی را از مانیفست نقل کرده و سپس نتیجه گرفته ای که «مارکس و انگلس اعلام کردند یک کمونیست از هر گونه نیروهای ضد

ضد استبداد فئودالی تجلی میافت. اتحاد احزاب دمکرات همه کشورها در زمان ما نه موضوع تلاش کمونیستها در مقابل پیشروی آنهاست. اولاً احزاب بورژوازی (از محافظه کار تا لیبرال و سوسیال دمکرات) همه جا در قدرت و یا شریک قدرت هستند و خود بشدت در سطح جهانی در انواع تشکل های دولتی و غیر دولتی متحد و متفق هستند. ثانیاً این احزاب دیگر مساله اشان مبارزه با سلطنت و استبداد و حکومت کلیسا و بقایای فئودالیسم نیست، بلکه همه در مقابل پرولتاریا و مردم عادی جهان صف آزاری کرده اند و خودشان منبع ارتجاع و استبداد و حتی حکومت مذهبی هستند!! برای مثال نگاه کن که حزب لیبر انگلیس (که مثلا به جناح چپ بورژوازی تعلق دارد) چطور اکنون یک منبع ارتجاع محض است. یا مثلا کلیتون به حزب دمکرات آمریکا تعلق داشت. یا در همین ایران و برای نمونه شما یک حزب بورژوازی پیدا نمی کنید که به اندازه یکدهم احزاب دمکرات دوره مارکس و انگلس علیه حکومت مذهبی باشند.

## کی از کی حمایت کند؟

در همین رابطه یک نکته اساسی دیگر اینست که مانیفست در زمانی نوشته شد که ۹۰ درصد جمعیت جهان را دهقانان و زحمتکشان غیر کارگر تشکیل میدادند. حتی در خود اروپا به جز انگلستان در سایر کشورها طبقه کارگر اقلیتی (گرچه روبه افزایش) از جامعه را تشکیل میداد و تازه اولین تلاشها برای ایجاد احزاب مستقل کمونیست صورت میگرفت. طبیعی بود که در آن زمان کمونیستها چنان خود را در محدودیت ببینند که در اغلب کشورها فعالیت خود را از طریق حمایت از جنبش های دیگر و یا رادیکال کردن احزاب بورژوا دمکرات و سوسیالیست (از نوع تخیلی و بلانکیستی) پیش ببرند. اما این تصویر سرعت و در همان حیات مارکس و انگلس عوض شد. با پیشروی جنبش کارگری و شکل گیری احزاب کارگری و کمونیستی (مثلا بین الملل اول که مارکس سازمانده آن بود). صورت مساله هم عوض شد. از آن به بعد یک معیار ترقی خواهی و رادیکالیسم هر جریان سیاسی نحوه برخوردش با کمونیستها و احزاب کارگری و کمونیست شد... تصویر امروز حتی بسیار متفاوتتر است. سرمایه داری در دورافتاده ترین نقاط دنیا حاکم شده است. بخش عظیم جمعیت جهان را بردگان مزدی تشکیل میدهند. جنبش این بردگان برای رهایی (که کمونیسم کارگری به بهترین شکل نمایندگی میکند) خود مهمترین و انقلابی ترین حرکت برای تحول اجتماعات بشری به جلو است. امروز هرکس ذره ای

عبدالخواهی و رادیکالیسم و انقلابیگری داشته باشد باید از این جنبش حمایت کند. طبعاً امروز هم درست مثل زمان مارکس و انگلس کمونیستها از هر جنبش انقلابی بر علیه نظم موجود حمایت میکنند، اما این جنبش های انقلابی نیز باید به شدت از کمونیسم

مبارزه با سرمایه داری را از نظر دور نمی دارند. با دقت تمام هر جا حمایت هایش از احزاب رادیکال و انقلابی را مشروط میکند به اینکه مبدا کمونیستها و جنبش پرولتاریا در جنبش های دیگر تحلیل بروند. و مثلا همانجا که صحبت از حمایت از جنبش های انقلابی بر علیه وضعیت موجود میکند بلافاصله اضافه میکند که در تمام این جنبش ها کمونیستها «مساله مالکیت» را (یعنی نهایتاً لغو مالکیت خصوصی را) به صدر میرانند. و در آخر هم با آن عبارت مشهور تمام میکند که «کمونیستها عار دارند که مقاصد و نظریات خویش را پنهان سازند. آنها آشکارا اعلام میکنند که تنها از طریق واژگون ساختن همه نظام اجتماعی موجود، از راه زور، وصول به هدفهایشان میسر است. بگذار طبقات حاکمه در مقابل انقلاب کمونیستی بر خود بلرزند. پرولتارها در این میان چیزی جز زنجیر خود را از دست نمی دهند، ولی جهانی را بدست خواهند آورد.» از اینجا میخوام نتیجه بگیرم که این مسابقه حمایت کمونیستها از سایر جنبش ها و احزاب بورژوازی که بعدها در دوره حاکمیت کمونیسم بورژوازی (چه نوع روسی و چه نوع چینی) باب شد، هیچ ربطی به مانیفست و مارکسیسم ندارد. سنت مانیفست اتفاقاً تاکید بر استقلال طبقه کارگر و جنبش رهایی بخش او تحت هر شرایطی است.

## تفاوت بورژوازی آنوقت و حالا

نه فقط درست نیست که نقل های مجزا از مانیفست (یا هر اثر مارکسیستی) را مبنای تفکر و عمل قرار داد، بلکه اشتباه آمیز تر از آن اینست که شرایط مشخص زمانی استنتاج هر حکم معین را در نظر نگرفت. خود مارکس و انگلس ۲۵ سال بعد (اگر اشتباه نکنم) طی مقدمه ای بر مانیفست کمونیست تاکید کردند که گرچه روح کلی مانیفست و اساس ارزیابی و احکام آن با برجاست اما در برخی قسمتها کهنه شد است. از جمله در باره همان فصل چهارم تاکید کردند که اکنون (یعنی ۲۵ سال بعد) خیلی تغییرات در احزاب سیاسی اپوزیسیون و کلا اوضاع سیاسی وجود آمده است که باید مورد توجه قرار گیرد. گرچه متد برخورد مانیفست به احزاب مختلف را همچنان تایید میکردند.

اکنون بیش از ۱۵۵ سال پس از انتشار مانیفست این تذکر خود مارکس و انگلس باید بیش از پیش مورد توجه ما قرار گیرد. برای مثال آن حکم مانیفست که کمونیستها برای توافق و اتحاد احزاب دمکرات همه کشورها کار میکنند، به نظر من دیگر صحت ندارد. چرا که آن احزاب دمکرات که زمان آنها وجود داشت در زمان ما دیگر وجود خارجی ندارند. (در آن زمان بخش اعظم اروپا هنوز در جلال بین بورژوازی در حال شکوفایی و سلطنت های ارتجاعی حاکم قرار داشت و لذا در بسیاری مناطق بورژوازی هنوز جنبه های انقلابی داشت که در احزاب دمکراتیک

کارگری حمایت کند، و گرته انقلابیگری برایشان باقی نمی ماند. برای مثال در دنیای امروز ما جنبش های اجتماعی داریم مانند اسلام سیاسی و یا ناسیونالیسم جهانسومی فلان کشور که دارد با آمریکا و بزرگترین قدرت های سرمایه داری جهان می جنگد. اما این جنبش ها و احزاب آنها نه فقط شایسته هیچگونه حمایتی نیستند که خود بدترین دشمنان کارگران و مردم و کمونیستها هستند. در همین رابطه بخش اعظم به اصطلاح چپ دنیا (برای مثال جریانات ترور تسکست) دارند از جریانات اسلامی حمایت میکنند و وقتی ما به آنها یادآور میشویم که مثلاً چرا از جنبش زنان و یا ما کمونیستهای کارگری حمایت نمی کنید، اخم و تخم میکنند. به نظر من در اوضاع کنونی جهان و در شرایط پیشرفت سرمایه داری هیچ حزب و جنبش سیاسی بورژوازی و غیر کارگری مادام که صراحتاً از کمونیسم و از خواستهای برحق آزادیخواهان و برابری طبانه کارگران (نمونه خواستهای که در برنامه یک دنیای بهتر به روشنی آمده است) حمایت نکند، شایسته هیچگونه حمایت کمونیستها نیست. البته ما به اختلافات بورژواها توجه داریم و از آن به نفع جنبش خود استفاده خواهیم کرد. البته که باید بین یک حزب لیبرال پارلمانی و یک حزب فاشیست و یا اسلامی تفاوت قائل شد. اما میزان حمایت ما از آنها بستگی به میزان حمایت صریح آنها از ما دارد.

## احزاب و جنبش های بورژوازی ایران

تا آنجا که به اوضاع مشخص امروز ایران برمیگردد، مقاله منصور حکمت که در شماره قبیل چاپ کردیم (سه جنبش، سه آینده) و همینطور مصاحبه او (مردم باید انتخاب کنند) در این شماره به روشنی جواب سوال شما را میدهد. و این جواب بطور خلاصه این است: ما با هیچ حزب و نیروی سیاسی شناخته شده در صحنه سیاست ایران احساس چنان نزدیکی وحدت عمل شویم. ما با جنبش ملی اسلامی و جنبش ناسیونالیسم پورعرب هیچ قرابتی نداریم. هردو اینها و همه شاخه های اینها یا همین الان در برابر ما هستند و دارند به لطایف الحیل از جمهوری اسلامی حمایت میکنند و یا در پیچ بعدی مقابل انقلاب سوسیالیستی و رهایی واقعی جامعه رودری ما خواهند ایستاد. ما این حقیقت را به صراحت اعلام میکنیم نه برای اینکه از وحدت و اتحاد بدمان می آید و یا بقول منصور حکمت میخواهیم «بدعققی» کنیم و منزوی بمانیم. خیر اتفاقاً اینها را به صراحت اعلام میکنیم تا باز بقول منصور حکمت هرکس که خواست تا هر جا با ما همراه باشد، بتواند. این ها را میگویم تا اتفاقاً آنها را منزوی کنیم! کارهایی که ما در زمینه ایجاد دیالوگ اصولی اپوزیسیون کرده ایم بی سابقه است. سالها پیش که خطر سناریو سیاه و ایجاد هرج و مرج صفحه ۷

# ما مصمیم رهبری اعتراض مردم را تضمین کنیم!



مصاحبه زیر که اول بار در شماره ۶۶ انترناسیونال هفتگی (۱۹ مرداد ۸۰، دهم اوت ۲۰۰۱) یعنی دو سال پیش منتشر گردید از نوشته های مهم منصور حکمت در قبال چگونگی سرنگونی جمهوری اسلامی، جدال احزاب و جنبش های مختلف و نقش و خط تاکتیکی حزب کمونیست کارگری است. موضوع محوری اینجا مساله وحدت طلبی «خود انگیخته» مردم است، اما ضمن آن به دو واقع کل روند سرنگونی و تمایز بین «راه حل انقلابی» و «غیر انقلابی» سرنگونی جمهوری اسلامی و سیر محتمل اوضاع مورد اشاره قرار میگیرد. بعد از دو سال این نوشته همچنان کلمه به کلمه میتواند راهنمای فعالیت و تلاشهای ما باشد. با این تفاوت که طی دو سال گذشته حزب کمونیست کارگری بیش از پیش مطرح شده است، راه حل انقلابی سرنگونی که اینجا از آن صحبت میشود بیش از پیش به صدر رانده شده است، احزاب اپوزیسیون راست (مشخصا سلطنت طلبان) روشنتر نشان داده اند که از مردم و انقلابشان بیش از جمهوری اسلامی وحشت دارند، مجاهدین خلق بطور تراژیک همان مبنای موجودیت سازمانی خویش را تقریبا از دست داده و به شدت ضعیف شده اند و همانطور که منصور حکمت پیش بینی کرده است روند عینی اوضاع به نفع ما پیش رفته است. ما امروز نزدیکتر به هدف تامین رهبری جنبش اعتراضی مردم ایران برای رها شدن از شر جمهوری اسلامی و «کلیت» استبداد و استثمار و تبعیض و ارتجاع» هستیم. بی تردید این رهنمود حکمت اکنون با مبرمیتی صد چندان در برابر ما قرار دارد:

ما باید بعنوان سخنگویان و منادیان «نه» بزرگ مردم به کلیت استبداد و استثمار و تبعیض و ارتجاع در صحنه سیاسی ایران ظاهر بشویم. هرچه این نخواستن عمیق تر و همه جانبه تر بشود، رهبری کمونیستی بر جنبش اعتراضی بیشتر تثبیت میشود.

(جوانان کمونیست)

## مردم باید انتخاب کنند گفتگو با منصور حکمت درباره وحدت اپوزیسیون

**هفتگی:** بیزاری مردم از جمهوری اسلامی و خواست عاجل مردم برای سرنگونی آن، این سوال اساسی را برآمده کرده است که این رژیم را چگونه باید انداخت. در این رابطه خیلی از مردم مساله وحدت احزاب اپوزیسیون سرنگونی طلب را مطرح

سیاسی مخالف جمهوری اسلامی از جهاتی با هم اختلاف دارند، اما گفته میشود که حداقل از این جنبه که همگی روی سرنگونی جمهوری اسلامی توافق دارند، میشود روی این جنبه توافق کار مشترک انجام داد. در این باره نظرتان چیست؟

**منصور حکمت:** بنظر من بجای «کار مشترک»، که با توجه به جدایی اجتماعی جدی این جریانها هیچیک به آن تن نخواهد داد، اگر بخواهیم خوشبین باشیم، شاید باید از تعریف یک سلسله اصول پایه ای و پایبندی هریک از این نیروها به آن صحبت کرد. اصولی مانند پایبندی به اراده آزاد مردم، اصل آزادی بی قید و شرط سیاسی، جامعه سکولار، رفع تبعیض و غیره. این اصول حداقل را حتی میشود بعنوان یک منشور حقوق پایه ای مردم تعریف کرد. اما این اصول مبنای وحدت این نیروها نمیتواند باشد، بلکه مقررات بازی را تعریف میکند. زمینی را ترسیم میکند که هریک از این جریانها در آن برای پیروزی خط مشی و جنبش خویش تلاش میکنند. این جنبشها قبل از جمهوری اسلامی بوده اند و بعد از آنها خواهند بود. هریک برای برقراری نظام و جامعه مطلوب خود تلاش میکنند. مبارزه برای سرنگونی حکومت، بخشی از یک جدال وسیع تر بر سر این آلتراثیو هاست. کاری که میشود کرد ایجاد یک دیالوگ رسمی در میان جریانها اپوزیسیون سرنگونی طلب رژیم اسلامی است. ما مشکلی با چنین چیزی نداریم. ما همه شاخه های اپوزیسیون را از چپ تا راست به کنگره سوم حزب دعوت کردیم. نه فقط هیچ مشکلی نداریم که با هر سازمان مخالف رژیم اسلامی یک رابطه رسمی برای تبادل نظر تعریف کنیم بلکه از این امر استقبال میکنیم و آن را لازم میدانیم. اما «اتحاد» و «کار مشترک» میان این طیف نیروهای سیاسی واقعیهنا نیست.

**هفتگی:** در میان جریانها سرنگونی طلب نیز رضا پهلوی پرچم اتحاد را بلند کرده و سازمان مجاهدین خلق اتحاد در چهارچوب شورای ملی مقاومت را مطرح میکند و اکثر سازمانهای چپ نیز صحبت از ائتلاف و اتحاد دارند. در این میان فقط حزب کمونیست کارگری است که تاکید دارد اتحاد عملی نیست و روی تمایزات خود و توضیح اثباتی نظرات و اهداف و مطالباتش تاکید میکند. لطفا در این مورد توضیح دهید.

**منصور حکمت:** هیچکدام اینها در اتحاد با سازمانهای بیرون طیف خودشان صحبت نمیکند. شاه و رئیس جمهور خودشان را هم از قبل تعریف کرده اند و بقیه را به امضاء گذاشتن زیر طرح خود دعوت میکنند. حزب کمونیست کارگری یک اصل اساسی دارد و آن بیان حقیقت به مردم است. ما نمیخواهیم از وحدت

طلبی خودانگیخته مردم سوء استفاده تبلیغاتی کنیم. ما برای ساختن یک جمهوری سوسیالیستی تلاش میکنیم و این کار از طریق وحدت با طرفداران بازار آزاد و آمریکا و سلطنت و اسلام پاستوریزه بدست نمایم. در نتیجه ما مردم را به اردوی سیاسی خودمان دعوت میکنیم. به اردوی کارگران، اردوی کمونیسم، اردوی آزادی کامل و همه جانبه فرد و جامعه. این به معنی انزواطلبی سیاسی و بدعنتی یا سایر جنبشهای سیاسی نیست. برعکس هرقدر ما حرف مستقل خودمان را روشن تر بیان کنیم و آرمانهای سیاسی و اجتماعی خود را بدون شبهه تر تبلیغ کنیم، امکان پیدا میکنیم بدون دامن زدن به توهمات سیاسی در میان مردم، با هرکس تا هرجا همراه میشویم راه بیابیم. ما طرفدار رشد فرهنگ سیاسی و فرهنگ تحزب در ایرانیم. ائتلاف، سازش، جبهه، وحدت عمل و غیره وقتی جای خود را در سیاست ایران پیدا میکند که تعیین حزبی و جنبشی در جامعه و بویژه تفکیک آرمانی و برنامه ای احزاب در سطح پیشرفته ای قرار گرفته باشد. اول باید اردوهای سیاسی ایران معاصر بدرستی تعریف شود تا بعد بشود از جبهه بندی های تاکتیکی میان آنها صحبت کرد.

**هفتگی:** ممکن است در جریان سرنگونی جمهوری اسلامی وضعیتی پیش آید که احزاب اصلی اپوزیسیون با نیروی اجتماعی ای که جذب کرده اند هر کدام یک وزنه غیر قابل حذف در تحولات جامعه و ایجاد حکومت جدید باشند. در چنین شرایطی آیا یک نوع اتحاد اجباری پیش خواهد آمد، از حالا نباید برای چنین حالتی فکر کرد و از این زاویه به مساله اتحاد پرداخت؟

**منصور حکمت:** هروقت پیش آمد ما هم به نیاز آن روز از یک موضع مسئول جواب میدهیم. عکس این حالت هم میتواند پیش بیاید و برای آن هم باید آماده بود. فعلا موضع ما مطلوبیت دیالوگ است.

**هفتگی:** سوال میشود که مبارزه در سطح جامعه دارد گسترش پیدا میکند و جنبش سرنگونی احتیاج به رهبری دارد. در غیاب اتحاد اپوزیسیون، رهبری جنبش چگونه باید تامین شود؟

**منصور حکمت:** رهبری محصول هژمونی سیاسی است و نه معمل گیری میان جنبشها و یا قرار و مدار سیاستمداران. پیدایش یک رهبری در جنبش عمومی برای سرنگونی تابعی از دست بالا پیدا کردن یک افق است. وجود یک رهبری واحد گواه این است که توده وسیع مردم انتخاب سیاسی خود را کرده اند. این انتخاب بدوا یک انتخاب حزبی نیست. مردم در خطوط کلی میان راست و چپ انتخاب میکنند. آیا افق آلتراثیو در برابر

رژیم اسلامی در خطوط کلی از نظر مردم یک افق و راه حل چپ است یا راست؟ این سوالی است که قبل از بقیه پاسخ میگردد. آیا مردم در انداختن جمهوری اسلامی، به بالا، به قدرتهای غربی و به اقتصاد بازار امید بینندند یا به نیروی خود، به چپ جامعه و به یک راه حل رادیکال چشم میدوزند. مردم چپ را میخواهند یا راست را؟ این سوال هنوز در ایران امروز باز است. این انتخاب هنوز صورت نگرفته است. اگر ما بتوانیم افق چپ و انقلابی را به افق هژمونیک در روند سرنگونی رژیم اسلامی تبدیل کنیم، آنگذت شخصیتها و احزاب عمده این اردوی چپ در موقعیت رهبری قرار بگیرند. مردم در هر دوره چپ جامعه را با جریانها معینی تداعی میکنند و آنها را پرچم و ظرف چپگرایی خود قرار میدهند. یک دوره حزب توده این نقش را داشت، یک دوره فدایی. امروز مردم ایران حزب کمونیست کارگری را سخنگو و بستر اصلی چپ در جامعه میدانند. در نتیجه رهبری تابعی از انتخاب سیاسی مردم میان یک راه انقلابی و یا غیر انقلابی برای سرنگونی حکومت اسلامی است. حزب و جنبش ما مصمم است که این رهبری را تامین کند. همه فعالیت حزب کمونیست کارگری معطوف به جداکردن مردم ایران از هر آلتراثیو و خط مشی بورژوازی و سوق دادن آنها به یک موضع چپ ایران است. شاخص پیشروی چپ در برابر راست در جنبش اعتراضی علیه رژیم اسلامی، بالا رفتن انتظارات مردم و نیزیرفتن نقطه سازشهایی است که هیات حاکمه و اپوزیسیون بورژوازی قدم به قدم جلوی مردم قرار میدهند. دوم خرداد یکی از اینها بود. مردم نپایان ندادند. جنبش ملی اسلامی احتمالا هنوز چند فرمول دیگر برای همزیستی مردم با یک رژیم اسلامی اصلاح شده در آستین دارد. اینها را باید یک به یک منزوی کرد. اپوزیسیون بورژوازی بیرون حکومت در مقطعی وارد صحنه خواهد شد تا نقطه تعادلای جدیدی که متضمن حفظ شالوده قدرت طبقاتی اش است را بعنوان پیروزی جنبش مردم جا بزند. ما باید مدام مردم را به فراتر رفتن از این چهارچوبها فرا بخوانیم. ما باید بعنوان سخنگویان و منادیان «نه» بزرگ مردم به کلیت استبداد و استثمار و تبعیض و ارتجاع در صحنه سیاسی ایران ظاهر بشویم. هرچه این نخواستن عمیق تر و همه جانبه تر بشود، رهبری کمونیستی بر جنبش اعتراضی بیشتر تثبیت میشود. از نظر عینی روند اوضاع به نفع ماست، چون نقطه سازشهای مورد نظر هیات حاکمه و اپوزیسیون بورژوازی از نظر عینی پاسخ نیازهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه ایران امروز نیست. بحران اقتصادی - سیاسی - فرهنگی سرمایه داری در ایران به سادگی قابل تخفیف دادن نیست.



## نامه های شما

### مردم از ایران اعتصاب عمومی

«بهرام جان سلام امیدوارم خوب باشید. از خواندن اعلامیه اعتصاب خیلی خوش حال شدم. من نیز آن را بهترین راه حل میدانم و منتظر چنین اقدامی بودم و در این راستا در حال فعالیت بودم و تصمیم داشتم مردم را به اعتصاب عمومی تشویق کنم. واقعا دستانتان درد نکند. آفرین بر این خوش فکری.»

### مهر پویش موسوی دختر و پسر باهم

«مصطفی صابر عزیز با سلام! عکس صفحه اول (شماره ۱۰۸) جی کی (جوانان کمونیست) را در همان نگاه اول نپسندیدم. چرا که تصویر مردانه از اعتصابات و مبارزات مردم ایران میدهد. در این عکس حتی یک زن هم دست مردها را نگرفته است. بگنیم که اگر یکی هم بود اشکال داشت. تصویری که از مبارزات مردم در خرداد و تیر اسما و حتی ۱۶ آذر پارسال به دنیا منعکس شد این تصویر نیست. میدانید که در فرهنگ مردسالار سنتی و مذهبی حاکم بر ایران هر وقت در روزنامه ها و وسائل ارتباط جمعی از «جوانان» صحبت میکنند منظورشان پسرها هستند. به نظر من حتی در ارائه تصویر هم باید این تقابل فرهنگی با دیدگاه سنتی مذهبی را به نمایش گذاشت. سلامت باشی.»

مهرنوش عزیز! همان موقع انتخاب عکس متوجه این نکته بودم ولی دستم بسته بود. عکس صفحه اول شماره قبل این خاصیت را داشت که عده زیادی از جوانان دست در دست هم، به هدفی در جلو خیره شده و پا بر زمین میکوبند. تصویر عزم و اتحاد در آن بسیار قوی بود. در آرشوی ما عکسی که آن قدرت را داشته باشد و متشکل از پسران و دختران و یا حتی فقط دختران باشد، وجود نداشت. در عکس های متعددی که از ۱۸ تیر، ۱۶ آذر و ۲۰ خرداد داریم، صف دخترها و پسرها اغلب جدا است! تعداد عکس هایی که دختر و پسر باهم دیگر هستند نسبتا کمتر است. معمولا اینگونه عکس ها حالت اجتماعات بزرگ را ندارد. بلکه بیشتر صحنه های جنگ و گریزهای کوچکتر یا جمهوری اسلامی را به نمایش میکشاند. این بی تردید بیش از هر چیز ناشی از آپارتاید جنسی جمهوری اسلامی است. ما همواره کوشش کرده ایم که تصویر واقعی از اعتراضات بدیم اما راه حل پایه ای این است که جوانان این جدا سازی وحشتناک جنسی و اسلامی حاکم را با قدرت بیشتری به عقب برانند و در اعتراضات خود دختر و پسر بیشتر و بیشتر دست در دست و شانه به شانه در کنار هم ظاهر شوند. دختران باید حجاب ها را جلی تر از گذشته دور بریزند. همچنین دوستان ما در گرفتن عکس از صحنه های تظاهرات لازم

است فعال باشند. در همین تظاهراتهای ۲۰ خرداد تا ۱۸ تیر ما گزارشات متعدد از حضور بسیار چشمگیر دختران و زنان داشتیم و منتشر کردیم اما دریغ از یک عکس ارسالی! و بالاخره از فرصت استفاده کرده و از خودت و دیگر دوستان تقاضا میکنم اگر عکس های مناسبی در دسترس دارند حتما برای ما ارسال کنند. خیلی متشکر از تذکرت.

### اسد حکمت امین با اعتصاب موافق اند

«با سلام به رفیق بهرام بسیار عزیزم. فراخوان شما به اعتصاب را خواندم و با دوستان دانشجو در میان گذاشتم. اکثریت قریب به اتفاق با آن موافق بودند. اخبار بعدی را به اطلاع میرسانم. میبوسمت.»

### ع.ج. از ایران

#### قانع شدم، زنده باشیدا

«با سلام خدمت آقای صابر. از اینکه پیغام مرا در جوانان چاپ کردید متشکرم. اگر میتوانید نشریه جوانان را که دارای مطالب جالب است را برای من بفرستید. اما جواب شما (در رابطه با مبارزه مسلحانه، ۱۰۸) مرا قانع کرد. و این صحیح است که شما شکست تلخی به خاتمی چی ها وارد کردید و کنفرانس (برلین) را تبدیل به رسوایی آنان کردید. پیروز باشید.» در نامه دیگری «من بخصوص از نامه های ارسالی و مقالات شیرعلی و مصاحبه ها و همچنین مقاله در مورد موسیقی خوشم میاد. البته در نشریه تا آن میتوانید مطالب حکمت را و نیز مطالب مخالفین را درج کنید.»

### کامران احمدی اراک

#### چرا جواب نمی دهید؟

«سلام رفیق من از شما خیلی دلگیرم. من این متن را (اشاره به ضمیمه ارسالی با نامه است.) برای سران حزب (منظور شان اعضای رهبری حزب است.) فرستادم و منتظر جواب شدم ولی هیچکس به من پاسخ نداد. من خواهان پاسخ به یک یک سوالاتم هستم. از شما به عنوان سردبیر میخواهم که به من پاسخ بدهید. چون این کار تحقیقی (منظورشان جمع آوری سوالات مخالفین ماست.) من در اینترنت است و من جواب میخواهم واسه اینکه به بقیه پاسخ بدهم. مرسی. بای.»

کامران عزیز. سوالاتی که شما جمع آوری کرده اید مواضع و یا صحیح تر آنهاست کسانی است که با هزار نیرنگ میخواهند ما را مثلا با خمینی مقایسه کنند. آنها انقلاب کارگری و مبارزه برای آزادی و برابری را با بساطی که خمینی (به کمک غرب و پادویی امثال همین کسانی که شما «سوالاتشان» را جمع آوری کرده اید!) در ایران برقرار کرد، مقایسه میکنند. آخر ما چه جوابی به اینها بدیم! تمام موجودات ما تمام مبارزه ما تمام آراء عقاید ما جواب اینهاست. ما

جواب اینها را با سرنگون کردنشان داریم میدیم! کسی که فقط یک مورد کنفرانس برلین را از ما بداند براحتمی میفهمد که ما چه ضربه هولناکی به اینها و خمینی و اصلاحات و اسلامشان زدیم و چطور اینها کینه ما را به دل گرفته اند. یا موارد دیگر نظیر اینکه همین حضرات تا مغز استخوان اسلامی چی و ضد یهود (یعنی نژادپرست و فاشیست!) ما را متهم میکنند که از اسرائیل پول میگیریم، آدم های بی مفقاری هستند که به عقب مانده ترین احساسات امید بسته اند. سوال من اینست که چرا شما نمی توانید به چنین سمپاشی هایی پاسخ بدهید؟ وانگهی، اغلب سوالاتی که شما جواب آنها را میخواهید به کرات در ادبیات ما پاسخ داده شده است. فقط در دیالوگ با خود شما در چندین شماره این نشریه به سوالاتی مشابه پرداختیم. هر بار کلی استدلال کردیم ولی با جانب شما استدلالی در رد صحبت هایمان نشنیدیم و شما هم هیچگاه به صراحت نگفتید تا کجا را قبول دارید و کجا را قبول ندارید و بعوض مسائل دیگری را مطرح کردید. بحث با شما آقدر کش پیدا کرد که حتی بعضی خوانندگان به درست اعتراض کردند. تصدیق میکنید که فایده ای ندارد که بحث به صرف بحث کرد. بهر حال اگر میخواهید باز بحث داشته باشیم خواهش من اینست که بجای دلگیری از ما مباحث قبلی با خودتان را بیکار دیگر به دقت مطالعه کنید. به مراجعی که معرفی کرده ایم نگاه کنید. آنگاه هر سوالی که فکر میکنید بی جواب مانده را آطور که برای خودتان مطرح است (و نه تبلیغات سوء دیگران) را مجددا طرح کنید. در نشریه شماره ۱۰۶ اشاره ای در مورد «سوال واقعی» داشتیم به آنهم دقت کنید. صمیمانه آرزوی دلبری و شادی و سرحالی برایتان داریم.

### س.س. ز. ز. از اهواز برنامه مطالعاتی

«با سلام! خسته نباشید. لطفا یک برنامه خواندن آثار کمونیستی (مارکس، انگلس، حکمت) جهت آموزش برای من تی میل بزن! از شما دوستان عزیز متشکرم. به امید سلامتی برای همه شما.» در نامه دیگری: «راه اندازی تی وی از جانب شاخه کاری فوری و واجب و الزامی است. هرچه زودتر با تی وی ۲۴ ساعته به خانه ما بیاید! این پنجره تاریخی باز شده برای مردم و عمل به سوی سعادت خواهد بود! پس پیش به سوی راه اندازی تی وی ۲۴ ساعته!»

س.س. ز. ز. عزیز! در مورد تلویزیون ۲۴ ساعته حق با شماست و همینجا از خوانندگان میخواهیم برای هزینه های این تلویزیون کمک مالی جمع کنند. در ضمن اگر ممکن است یک اسم راحت انتخاب کن و به ما هم اطلاع بده. برای شروع مطالعه قطعا مانیفست کمونیست بهترین انتخاب است. از مارکس و انگلس خواندن (ایدئولوژی آلمان) و «کاپیتال» ضروری است. از منصور حکمت علاوه بر «یک دنیای بهتر»، آثاری نظیر «مارکسیسم» جهان امروز»، «فاوت های ما»، «دموکراسی تعابیر و واقعیتهای ما»

### فرزان دانش (از ایران) ایمیل بفرستم یا نامه؟

«سلام به رفیق مصطفی صابر. من فرزان دانش هوادار حزب هستم. میخواستم بدانم که برای تماس با شما یا در واقع نشریه جوانان کمونیست باید از تی میل استفاده کنیم یا نامه بنویسیم. آیا ایمیل را میتوانم به فارسی تایپ کنم یا نه. دوم اینکه چطور نشریه یا مقالاتی از سایت حزب رو میتوانم برای دیگران بفرستم. قبلا از لطف و تلاشهای شما تشکر میکنم و امیدوارم که در اهدافتان موفق باشید.»

فرزان عزیز شما میتوانید تی میل بزنید و فارسی هم تایپ کنید. برای ارسال مقالات هم طبعاً ابتدا آنها داندلو کنید و بعد صورت ضمیمه تی میل ارسال کنید. ما منتظر نوشته ها و اظهار نظر شما هستیم.

### آ. آ. (از ایران؟) نشریه بفرستید

«های. حالت خوبه؟ من میخواستم که این شماره جدید آزادی زن، مدوسا و جوانان را با تی میل بفرستید. ممنون.»

فرستادیم و منتظر نظر شما هستیم.

### سینا از قزوین میدانند مارکسیست!

«... در مورد فضای قبل از مدرسه باید بگم همه در حقیقت دارن آماده جنگ با جمهوری اسلامی میشن. ما دانش آموزان هم قصد داریم به دنبال دانشجویان جنبش های اعتراضی راه بیندازیم. در ضمن بهرام جان شما هیچ کس رو (البته به جز دو سه نفر در هر کلاس) نمی تونید پیدا کنید که طرفدار جمهوری اسلامی باشه. این هم باید بگم که همه دوستان مدرسه میفونند که من مارکسیست هستم...»

همه در مورد مارکسیسم از من سوال میکنند و از من سایت میخوانند و عده ای مارکسیسم رو برای جوانان و نوجوانان یک مکتب غلط و نابود شده تعریف میکنند. بقل منصور حکمت «میگوند مارکسیسم مرد چون میخواهند آن را بکشند». من قصد دارم دوستان را با مارکسیسم واقعی و منصور حکمت و حزب آشنا کنم به هر وسیله ای از شعار نویسی تا پخش نشریات و اطلاعیه های حزب... در ضمن نمی دونم یا این سد کنکور چه کم... زنده باد آزادی برابری حکومت کارگری.»

### رفیق اوستا از گرمانشاه اقتصادیات سوسیالیستی

«در نشریه بیشتر راجع به اقتصادیات سوسیالیستی بنویسید. چرا که یکی از وجه تمایزات مارکسیستها با جنبش های دیگر همین جنبه اقتصادی است. مثلاً تحویل مالکیت خصوصی (به

مالکیت اشتراکی) در جامعه سوسیالیستی چگونه صورت میگیرد؟» اقتصادیات سوسیالیستی قبل از هر چیز اقتصادیات نفی است. یعنی نقد انقلابی و عملی و همه جانبه سرمایه داری است. در این مورد کتاب کاپیتال مارکس سنگ تمام گذارده است.

سوسیالیسم چیزی جز اینکه مالکیت خصوصی را نفی کند، بردگی مزدی را نفی کند، رابطه کالایی را نفی کند، حاکمیت پول و بازار را نفی کند، نیست. اینکه از لحاظ اثباتی چگونه خواهد بود اینرا نمی شود از پیش و به دقت بیان کرد. همچنان که نمی شد در ابتدای شکل گیری بورژوازی بدقت پیش بینی کرد که چگونه سرمایه جهانی در سال ۲۰۰۳ عمل خواهد کرد. ما البته خطوط کلی اقتصادیاتی که باید جای سرمایه داری برقرار شود را میدانیم. ما میدانیم که باید جامعه ای داشت که در آن کسی برای مزد کار نمی کند. مایحتاج زندگی آدمی به کالا تبدیل نمی شود. هدف از تولید اجتماعی کسب ارزش اضافی و استثمار وحشیانه انسانها نیست. بلکه هدف رفع حوائج و نیازهای جامعه بشری و تعالی تک تک انسان ها است. جامعه ای که در آن کار دواطلبانه است و بر اساس تعاون و همکاری وسیع انسانها اداره میشود. اینکه بطور مشخص چگونه از حاکمیت مالکیت خصوصی و سرمایه مزد و کالا بر زندگی بشر به جامعه سوسیالیستی میرسیم اولین اقدام خلع قدرت سیاسی سرمایه است، سپس باید اقدامات ریشه ای جهت درآوردن زندگی بشر از چنگال مناسبات قبلی یعنی مالکیت خصوصی و بردگی مزدی را در دستور گذاشت. مالکیت اشتراکی هر شکل معینی که بخود بگیرد محتوایش اینست که امکان استثمار دیگران (چه توسط اشخاص و چه توسط دولت) را از بین میرد. در رابطه با این نکات حتما به نوارهای بازخوانی کاپیتال از حکمت گوش کنید. کاپیتال مارکس را حتما مطالعه کنید.

### شیدا فرمند دانشمارک به حاشیه میبراریم

«سلام مصطفی جان. قرار بود چند نکته راجع به نشریه جوانان کمونیست که به نظر می رسید، برایت بنویسم. ۱- شکل و فرمت نشریه ما هیچ تفاوتی با نشریات دیگر حزب مثلا هفتگی، ایسکرا، همبستگی ندارد. و با این شکل و فرمت هیچ جذباتی برای جوانان ندارد، این چیزی است که من به طور ملموس تجربه کرده ام. به نظر من این مشکل است که شکل و لی آوت نشریه ای که من به خواهر ۲۱ سالم می دهم هیچ فرقی ندارد با همان نشریه ای که به پدر ۵۰ سالم می دهم. منظور من در این مورد اصلا متون و نوشته های نشریه نیست (در این مورد پایین تر اشاره می کنم) بلکه صرفا شکل و فرم آن است. در این عصر که مجلات و روزنامه های مختلف با شکل و شیوهای گوناگون و متنوع وجود دارد، ما چرا به این فرم ثابت چسبیده ایم؟ نشریه در همان نگاه اول صفحه ۷

## نامه های شما

تفاوت خود با بقیه نشریات ما را به بیندیش نمی‌گوید و به نظر باید بگیرد، باید خواننده نشریات ما از همان صفحه اول و شکل متفاوت نشریه جوانان کمونیست نشریه را بشناسد. در ضمن خواننده نشریه به یک ذره‌بین نیاز دارد، پیشنهاد می‌کنم که در صورت امکان در صفحات بیشتر، اما با فانت بزرگتر چاپ کنید.

۲\_ موضوعات نشریه: نکته دومی که به نظر می‌رسد راجع به موضوعات مندرج در نشریه است، بخش زیادی از نشریه به جواب دادن به ذهنیات و مسائل شخصی افراد اختصاص دارد، به نظر من خیلی عالی است که نشریه به جمل با افکار مختلف و گرایش‌های مختلف در جامعه پردازد، نقد و بررسی کند و یک پای مباحث و مسائل موجود و مطرح در جامعه باشد، اما باید بدانیم که وبلاگهای شخصی، نامه‌های افراد مختلف، بحثهای دوفره با بعضی از افراد و کارهای از این دست، شرکت در جدالهای اجتماعی نیست. اینکه چه افکاری در هر مقطع و در میان هر قشری بر ذهن آدمها سنگینی می‌کند را نمی‌توان از لابلای وبلاگهای شخصی در آورد، جدال با افکار و گرایش‌های مخالف و به طبع آن شکل دادن به گرایش مطلوب در جامعه با این نوع کارها میسر نمی‌شود، من احساس می‌کنم که این مدت ما بیشتر به حاشیها پرداختیم تا به متن، آنچه در متن جامعه مسائل مورد بحث و مناقشه هستند به درجات زیادی متفاوتند با آن نامه‌های شخصی و وبلاگهای شخصی که ما به آنها می‌پردازیم. باید فهمید در بطن جامعه چه مسائلی در صدر و مورد بحث هستند تا به آنها پرداخت.

رفیق جان امیلوارم این یکی دونکته مورد نظر کمکی باشد برای بهتر بودن نشریه. قربانت شیوا فرهنمند»

شیوا جان ممنون از نکات. خیلی نکاتی را که مطرح کرده ای من در مصاحبه ای که شماره ۱۰۶ مگزلا مورد بحث قرار داده ام. اگر آن مصاحبه را دقت کنی متوجه میشوی که من با خیلی مشاهدات تو شریک هستم. ولی جواب های شاید متفاوتی دارم. برای مثال من فکر نمی‌کنم که ما درگیر بحث با افراد معین شده ایم. بلکه همیشه متوجه بوده ایم که این افراد دارند کدام گرایش اجتماعی را نمایندگی میکنند. همانجا به روشنی گفته ام که کدام گرایش اجتماعی باید بیشتر مورد جلال ما باشد و فعلا کجا ایستاده ایم. به نظر من توهم خوب است که مشخصا بگویی کجا «متن» است و کجا «حاشیه» و ما برای رفتن به متن دقیقاً باید چه کنیم. در مورد فرمت، ما محلولیت هابی داریم که در همان مصاحبه به تفصیل صحبت کرده ایم. مثلاً فقط فاکتور کار در شرایط مخفی به ما تعداد صفحات محدود، فرمت کوچک موجود را تحویل میکند. این نشریه در داخل و خارج چاپ

میشود در جریان اعتراضات وسیعاً پخش میشود، فرمت آن باید طوری باشد که بشود از لحاظ مالی هزینه مالی چاپ آنرا تامین کرد، سبک و کوچک قابل مخفی کردن باشد و... خوب در این فرمت معین نمی‌شود خیلی ابتکارات عجیب و غریبی به خرج داد. با این وصف در این زمینه نیز از پیشنهادات مشخص استقبال میکنیم. در مورد اندازه فونت هم حقیقتش اینست که کوچکترین فونت ممکن را استفاده میکنیم. ولی چه میشود کرد حرف زیاد است و محلولیت فضا. منتظر اظهار نظر مشخص تر تو هستیم. بازهم تشکر.

### ژیسی یگانه حاضر کمک کن

«مصطفی جان سلام. مدت زیادی است که آف (off) بودم. خوشحالم که مجله جوانان همچنان هات (HOT) موند. در باره تبدیل فرمت نشریه به یونی کد و انتشار آن به صورت اچ تی امل هر کمکی خواستید در خدمت هستم. چون چیزهایی در این زمینه میدانم... اردتمند نرسی.»

نرسی عزیز نمی‌دانی چقدر خوشحالم که می‌خواهی کمک کنی و کلا بقول خودت دوباره (on) شدی! خوانندگان ما مصاحبه با تو در مورد مقابله با فیلتر کردن را به یاد دارند و تو حتماً میتوانی نقش خوبی در انتشار اچ تی امل نشریه داشته باشی. در این زمینه دوستان دیگری هم مشغول کار هستند که تو را به آنها معرفی خواهیم کرد. بسیار متشکریم.

### علی راستین قهران منهم حاضر

دوست عزیزمان علی راستین هم برای راه اندازی فرمت اچ تی امل نشریه اظهار علاقه کرده اند و فی الحال کمک هایشان را شروع کردند که از ایشان تشکر میکنیم. اکنون نوبت ماست که این تلاشها را بنحو درست سازمان دهیم.

### الهه سرداری ژ کیه تصن پناهجویان

«مصطفی عزیز سلام لطفاً از این هفته نشریه را به میل من بدهید تا راحت آنرا بدوستان در ایران برسانم. در ضمن فردا مصاحبه با متحصنین آنکارا را برایتان ارسال میکنم. وضع آنها سخت است و محتاج کمک همه ما هستند. قربانت الهه.»

الهه جان آدرس تو را برای رفقای مسئول میفرستم. امیلوارم که پناهجویان آنکارا در اعتراضشان پیروز شوند. ما هم در کنار فدراسیون پناهندگان و حزب به سهم خود کمک خواهیم کرد. همچنین به خوانندگان یادآور میشویم که در شماره قبل آدرس ها و شماره تلفن های یو آن ترکیه به چاپ رسید. به این آدرس ها نامه بنویسد و تلفن بزیند و خواهان تحقق خواستهای پناهندگان شوید!

### سروش دانش قهران در باره خدا

سروش عزیز بحث شما در مورد خدا رسید. امیلوارم که بتوانیم چاپ

کنیم و کمی هم در موردش حرف بزنیم. نوشته شما از جهت اشاراتی که به فوتر باخ کرده بودی جالب بود. بهر حال اگر محدودیتی هست مساله جا است. در مورد سایت ها خواهش میکنم پیشنهادات را مشخصاً برای همه این سایتهایی که ذکر کردی بفرست. میبوسمت و موفق باشی.

### شهر شادگان در آخرین لحظه

شهر عزیز نامه جالب و مفصل شما در آخرین لحظه دریافت شد. میکوشیم اگر امکانش بود در همین شماره به آن پردازیم وگرنه در شماره بعد. نکات جالب توجهی در آن هست که خویست کسی هم صحبت کنیم و حتماً به سوال شما هم باید پردازیم. می بینید که شما دست به قلم خوبی دارید!

### فواد ش. (از ایران؟) میخواهم عضو شوم

بهرام مدرسی: فواد عزیزم، ممنون از تماسی که گرفتی. من اطمینان دارم که تو و همه نسلی جوانی که امروز خود را مارکسیست میدانند، در کنار حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانان کمونیست خواهد توانست از فرصتی که برای ایفای نقش تاریخی برای ما بوجود آمده است، استفاده کند و یکبار برای همیشه از دست دست شدن قدرت میان نمایندگان مختلف سرمایه‌داری در ایران جلوگیری کند و جامعه‌ای آزاد و سوسیالیستی بنا نهد. حتماً سعی کن از این پس در تماس بیشتری با من باشی. اما در رابطه با سوالات.

در رابطه با نوع ارتباط با حزب و سازمان جوانان، همین راهی که انتخاب کرده‌ای مفید و خوب است و همین را بعنوان آغاز ارتباط با ما تلقی کن. ما هر کسی را که با ما ارتباط میگیرد را جدی و مهم تلقی میکنیم. این از سنت ما و از توجه ما به آنهاست، عقایدشان و آرزوهایشان میاید. انسانها مستقل از اینکه موافق یا مخالف ما باشند، محترم هستند.

همین را حتماً در بحثهای ما با مخالفانمان در همین نشریه دیدی. ما با مخالفانمان جدی هستیم، در عین حفظ شخصیت هر یک از مخالفانمان و در کمال صمیمیت و بدون تعارف نظراتمان را بیان میکنیم. و نظرات غلط را افشا میکنیم. کسانی که دست در دست سازمان جوانان کمونیست و حزب کمونیست کارگری می‌گذارند هم، دنیایی از رفاقت، هم فکری و تلاش می‌شترک در انتظارشان خواهد بود. شما با عضویت در حزب یا سازمان جوانان دست در دست هزاران جوانی گذاشتاید که درست مثل شما خواهان ایجاد جهانی آزاد و برابر و انسانی هستند. به این صف و این سازمان خوش آمدی.

مقالات و نوشته‌های ما میتوانی از همین طریقی که این نامه را به دست من رساندی مقالات را برایمان بفرستی حتماً میکوشیم از آنها استفاده کنیم. حتماً تا میتوانی بیشتر برایمان بنویس. این نشریه را نشریه خودت بدان و حتماً برای هماهنگ کردن بیشتر کارهای مشترکمان تماس را با من بیشتر کن.

## خواه در اول یا آخر صف



### من الهه سرداری هستم!

تمام تلاشم در این بود که این آگاهی را به هموعان خود برسانم تا بتوانند از حق و حقوق خود دفاع کنند. من در دوران نوجوانی با عقاید کمینه پرستانه و خرافی که زاده سالهای جهل می‌باشد مرزبندی داشتم و حتی در دوران تحصیلم بارها به خاطر ابراز عقایدم در کلاس و در بین دوستانم مورد توبیخ و تنبیه قرار گرفتم.

جامعه ایده آل من جامعه‌ای است آزاد، برابر و شاد که همه در تعیین سر نوشت خویش سهیم باشند این جامعه ایده آل جز یک جامعه سوسیالیستی نیست. با پیاده کردن برنامه حزب کمونیست کارگری می‌تواند به یک جامعه ایده آل و زندگی بهتر برسد.

تفاوت نگرش افراد جامعه به یک زن که حتی بعضاً خود زنان هم به آن دامن می‌زنند باعث محرومیت زنان از تقریباً کلیه حقوق شدم که از ایران خارج شوم و اکنون در ترکیه هستم. با توجه به وضعیت ایران و نگرشی که به یک زن تنها دارند از اول با مشکل مواجه بودم. مشکلاتی از قبیل پیدا کردن قاجاچی برای خروج از ایران، طی کردن راه نا امن کوهستانی همراه چندین مرد و هراس از دستگیر شدن. از دوران نوجوانی از طریق پدرم با کمونیسم و اصول و عقاید مارکسیستی آشنا شدم. و مطالعات بعدی را خود داشتم. من به عنوان یک زن و به عنوان یک مارکسیست که خواهان برابری بی‌چند و چون انسانها هستم و به حق و حقوق انسانی خویش نیز آگاه هستم و

من الهه سرداری، ۲۵ سال دارم. به علت فعالیت سیاسی و سلسله عواملی که پیش آمد مجبور شدم که از ایران خارج شوم و اکنون در ترکیه هستم. با توجه به وضعیت ایران و نگرشی که به یک زن تنها دارند از اول با مشکل مواجه بودم. مشکلاتی از قبیل پیدا کردن قاجاچی برای خروج از ایران، طی کردن راه نا امن کوهستانی همراه چندین مرد و هراس از دستگیر شدن. از دوران نوجوانی از طریق پدرم با کمونیسم و اصول و عقاید مارکسیستی آشنا شدم. و مطالعات بعدی را خود داشتم. من به عنوان یک زن و به عنوان یک مارکسیست که خواهان برابری بی‌چند و چون انسانها هستم و به حق و حقوق انسانی خویش نیز آگاه هستم و

صفحه ۷

از صفحه ۶

## ما و احزاب اپوزیسیون

است که حزب کمونیست کارگری اعلام کرده و تمام اپوزیسیون را به رعایت آن فراخوانده است. در این مورد هم هیچکدام از این حضرات وحدت طلب صدایشان در نیامد.

آرش عزیز قرار نیست که هوادارن پیشنهاد دادیم تا برای جلوگیری برای چنین حالت احتمالی به یک رشته اقدامات متعهد شوند. دریغ از یک جواب اصولی. ولی در انتظار مردم نشان دادیم که ما نسبت به زندگی و سرنوشت مردم کاملاً مسئولیت داریم. سالها بعداً از راست تا چپ جامعه را به کنگره سوم خود دعوت کردیم تا نشان دهیم این ما هستیم که نماینده علنیت، شفافیت و مناسبات آزادانه و دموکراتیک سیاسی هستیم. ولی این آنها بودند که جواب رد دادند. معلوم شد وقتی آنها می‌گویند اتحاد و وحدت منظورشان این است که ما زیر پرچم آنها برویم. یک ریاکاری محض. یعنی دارند بر موج وحدت طلبی مردم سوار میشوند تا اهداف و آرمانهای بورژوازی، ملی، سنتی و ارتجاعی شان را به ما و به مردم قالب کنند. ما درست برعکس هیچ ادعا یا صحیح تر توهم وحدت طلبی را مطرح نمی‌کنیم ولی در هر مقطع راه های اصولی گفتگوی اپوزیسیون و رعایت نکاتی که به نفع مردم است را بدون خدشه کردن تفاوتی واقعی نشان داده ایم. مورد دیگر منشور آزادی های سیاسی

# شغل من و شانه های نحیف!

## لینک

علی فرهنگ

بزرگ

<http://mmbozorg.blogspot.com>



شغل

اوائل دبستان که بودم دوست داشتم دکتر شوم! در تصوراتم می‌نشستم گوشه یک مطب شیک و جمع و جور و به مردم حال میدادم و آلبومهای موسیقی مورد علاقه ام میچیدم پشت سرمو و .... خلاصه این حرفا. بعدا فهمیدم چه شانسسی آوردم که نرفتم پزشکی. این رفقای بدبخت پزشکی رو میبینم دلم کباب میشه. پزشکی شغل نیست زندگی است.

قصه من خیلی به این فکر کردم که دوست دارم یا بهتر بگم دوست داشتم چه کاره شوم. شما هم همینطورید چون ما اکثرا شغلمونو انتخاب نکردیم... معلم، کارگردان، دیپلمات!، کافه دار و .... یا همین مهندسی فزرتی. بعضی‌ها هم معتقدن که خود شغل خیلی مهم نیست و درآمد یا راحتی یا علاقه و خلاصه شرایطی که مهمتره و من هم خیلی قبولش دارم.

ولی من پیش خودم میگم کاش می شد این طوری کار میکردم: شنبه ظهر میرفتم به حساب کتابهای مغازه ام سرکشی میکردم. اگه مغازه کتاب فروشی بود که چه بهتر اگر نه هیچ فرقی نمی کنه فرض کنید پلاستیک فروشی ... اصلا مهم نیست. یکشنبه صبح میرفتم به شرکتی جایی به عنوان مشاوره کارشناسی تا بوق سگ جلسه و از این مسخره بازی. دوشنبه رو تدریس می کردم، تو این مدرسه هایی که مجبور بودم با شاگردهای تخس سروکله بزنم. (تدریس خصوصی... هرگز!) سه شنبهها معلومه دیگه کارگری ساختمون.

پاشون رو از مدرسه بیرون گذاشته بودن، مقنعه شون رو در آورده بودن و داده بودن دست مامانشون که به کمی نفس بکشن. انگار که زندونی شده باشن تو لباسهاشون. زندونیهای خوشگل کوچولو توی اون رویوشهای بلند نفرت آور.

خلاصه که نه، من دلم تنگ مدرسه نمی شه. الهی شکر که این یکدونه نوستالژی رو ندارم!

شبح

<http://shabah.org>

امینه لاوال آزادشد! او سنگسار نمی شود! خواب خوش ما تعبیری خوشتر یافت و اکنون می توانیم پیروزی بر ارتجاع را به هم تبریک بگوییم اما در نتیجه چه می گذرد؟ احتمالا نیروهای مذهبی افراطی این دخالت بیگانه گان در کشورشان می دانند و از این که چشم آبی های کافر دین آنان را به خطر انداخته است به خشم خواهند آمد و کشتن امینه را نمادی برای مبارزه با امپریالیسم و استعمار بخوانند شمرد و این طلسم شوم عقب ماندگی مردمی است که دوست و دشمن خود را نمی شناسد و نیاموخته اند که دشمن دشمن ما دوست ما نیست و دوست دشمن ما هم الزاما دشمن ما نیست... به امید آگاهی جهانی که مردم جهل زده قدرتمندترین کشور جهان بیش از هر کسی محتاج آن هستند!

راستی یک نکته را فراموش نکنید. اصلاح طلبان وطنی ما می گویند سنگسار بد است باید امینه ها را تیرباران کرد! ببینید تفاوت دیدگاه جهانی با دیدگاه اصلاح طلبان وطنی چقدر دور است. ما برای آزادی امینه تلاش می کنیم و آنان برای تغییر روش کشتن آنها!

برایه

<http://baraye.persianblog.com>  
اسمش شریفه. یه پسر بچه ۱۲- ۱۱ ساله لاغر اندام که تو میوه فروشی سر خیابون بعنوان پادو کار میکنه. بهش میگم: شریف اول مهره

مگه تو مدرسه نمیری؟ همینطور که داره تند تند آشغالهای سبزی رو از روی زمین جمع می کنه سرش و بال می گیره و با غرور میگه: چرا خانوم، شبانه میرم. تازه درسم خیلی هم خوبه. میگم: دست راستتو بذار رو سر من که منم یه کمی درست و حسابی درس بخونم. می خنده ... می خندم. ..

وقتی کارهامو انجام دادم و برگشتم، تو کوچه از دور شریف رو دیدم که با انبوهی از کیسه پلاستیکی پر از میوه و سبزی به سختی دنبال خانوم همسایه حرکت می کرد... خدایا آخه چرا اینقدر فاصله؟ چرا بخاطر یک مشت اسکناس لعنتی یک نفر اجازه داره روی شونههای نحیف دیگری سوار بشه؟ حتی اگر اون دیگری یه پسر بچه کمسال باشه. چرا؟

از صفحه ۷

### من الهه سرداری هستم!

سرنگونی جمهوری اسلامی، مبارزه با فرهنگ کهنه و پدیده مذهبی و باورهای مرد سالارانه، کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم و حضور گسترده زنان در تمامی عرصه های سیاسی و اجتماعی است. همانطور که میبینیم در اعتراضات اخیر زنان در صف اول جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی قرار داشتند و به قول از یک جمله زیبا از منصور حکمت که گفت: انقلاب آینده ایران می تواند یک انقلاب زنانه باشد. من به عنوان عضو حزب کمونیست کارگری ایران دوشادوش دیگر زنان و همزمانم در صف مبارزه جهت سرنگونی یکی از خونخوارترین رژیمهای تاریخ هستم. و از کوچکترین قدمی جهت پیشبرد اهداف حزب کمونیست کارگری کوتاهی نخواهم کرد خواه در اول صف خواه در آخر صف.

## تلویزیون انترناسیونال

یکشنبه ها و جمعه

۵:۳۰ تا ۶:۳۰ عصر

به وقت تهران

ماهواره کانال یک

برنامه های تلویزیون انترناسیونال در اروپا و آمریکای شمالی هم پخش میشود. این برنامه ها از طریق سایت روزنه نیز قابل دسترسی خواهند بود.

میل: [wpi\\_tv@yahoo.com](mailto:wpi_tv@yahoo.com)

تلفن ۳۷ ۲۲ ۵۹۰ ۷۸۱ ۰۰۴۴

فکس ۱۷۳۳ ۲۱۲ ۵۰۳ ۰۰۱

## طول موج جدید

## رادیو انترناسیونال

رادیو انترناسیونال هرروز ساعت ۹ شب به وقت تهران به مدت نیم ساعت روی طول موج ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۸۰ کیلو هرتز پخش خواهد شد. روزهای پنجشنبه و شنبه مدت برنامه های رادیو از ساعت ۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه خواهد بود.

## برنامه رادیویی سازمان

## جوانان کمونیست

شنبه ها ۹:۳۰ تا ۹:۴۵

طول موج جدید رادیو انترناسیونال را به اطلاع همه دوستان و آشنایان خود برسانید.  
Payamgir radio:  
+46 8 659 07 55  
Tel: +44 771 461 1099  
& +46 70 765 63 62  
Fax: +44 870 129 68 58  
[radio7520@yahoo.com](mailto:radio7520@yahoo.com)  
[www.radio-international.org](http://www.radio-international.org)

## تلفنهای تماس با دبیران سازمان جوانان کمونیست:

0045 51 80 26 10  
0031-613248331  
0049 1632693033  
0046 70 678 1198  
001 604 730 5566  
0044 77 61 10 6683  
00905552048603  
0046 70 48 68 647  
0049 174 944 02 01  
fax:001 781 735 8359

دانمارک: شیوا فرهمند  
هلند: مجید پسنجی  
آلمان: نیز احمد زاده  
سوئد: حامد خلکی  
کانادا: سامان احمدی  
انگلیستان: فرشاد پویا  
ترکیه: دبیر تشکیلات خارج: مریم طاهری  
دبیر کمیته مرکزی: بهرام مدرسی  
مشاور دبیر: ثریا شهابی

[bahram-modarresi@web.de](mailto:bahram-modarresi@web.de)

آدرس پستی: Jawanan  
Postfach 620 515  
10795 Berlin  
Germany

## به سازمان جوانان کمونیست بپیوندید!

## جوانان کمونیست

نشریه سازمان جوانان  
حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفی صابر [mosaber@yahoo.com](mailto:mosaber@yahoo.com)

Tel: 001 604 730 5566

از این سایت ها دیدن کنید:  
[www.jawanan.org](http://www.jawanan.org)  
[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)  
[www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)  
[www.hambastegi.org](http://www.hambastegi.org)  
[www.medusa2000.com](http://www.medusa2000.com)  
[www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)  
[www.childrenfirstinternational.org](http://www.childrenfirstinternational.org)